

سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران

تقی آزادارمکی*

محمدحسین شریفی ساعی*، مریم ایثاری**، سحر طالبی***

چکیده

تحولات اجتماعی سال‌های اخیر در ایران، به تدریج، ابعاد متفاوتی به خود گرفته‌اند و نه تنها ارزش‌ها که رفتارهای افراد را مشمول تغییر قرار داده‌اند. یکی از این تغییرات در حوزه روابط جنسی پیش از ازدواج و در مناسبات با جنس مخالف روی داده است. نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که روابط جنسی پیش از ازدواج، در سال‌های اخیر، میان جوانان افزایش یافته است. اما بیان «رشد» این روابط همه ماجرا نیست؛ چراکه افزایش حجم این رفتارهای جدید به تدریج پیچیده‌تر شدن آن‌ها را نیز در پی داشته است تا آن‌جا که امروزه با «گونه‌های متفاوتی» از روابط جنسی پیش از ازدواج مواجه‌ایم که خاستگاه‌های متفاوتی دارند. هدف این تحقیق کیفی سنخ‌شناسی الگوهای متفاوت روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران بوده است. در این تحقیق، با ۵۴ نفر از پسران و دخترانی که این روابط را تجربه کرده‌اند مصاحبه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران به حداقل «شش دسته» تفکیک و تکثیر شده است. این الگوها عبارت‌اند از ۱. روابط آزاد (الگوهای روسپی‌گری)؛ ۲. روابط صیغه‌ای؛ ۳. روابط دوست‌دختر - دوست‌پسر؛ ۴. روابط هم‌خانگی؛ ۵. روابط ضد

* استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران Tazad@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد پژوهش‌گری علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

mohammadhosein.sharifi@gmail.com

*** کارشناس ارشد، پژوهش‌گری علوم اجتماعی، دانشگاه تهران maryamisary@gmail.com

**** کارشناس ارشد، پژوهش‌گری علوم اجتماعی، دانشگاه تهران sahar.talebi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۲۵

عاشقانه (الگوهای فریب)؛ و ۶. روابط مبتنی بر عشق سیال. این الگوهای گوناگون را می‌توان در زیر چتر سه گفتمان متفاوت از یکدیگر مجزا کرد: «گفتمان پیشامدرن» (روابط دسته‌های اول و دوم)، «گفتمان مدرن» (روابط دسته‌های سوم، چهارم، و پنجم)، و «گفتمان پسامدرن» (روابط دسته ششم). هریک از این گفتمان‌ها سوژه‌ها را در جهت خاصی فرامی‌خوانند و افراد در این گفتمان‌ها نه صرفاً رفتارها که ارزش‌های متفاوتی نیز پیدا کرده‌اند. در این میان، گفتمان پیشامدرن قدمتی به درازای تاریخ دارد که تاکنون به بقای خود ادامه داده است؛ اما، در کنار آن، امروزه، در لایه‌های پنهان جامعه شهری، دو گفتمان مدرن و پسامدرن نیز سر برآورده‌اند که، به رغم تفاوت‌هایشان، هر دو محصول فرایند مدرنیته در جامعه ایرانی‌اند؛ الگوهایی از رابطه که به مدد تحولات ساختار اجتماعی و اقتصادی و تغییرات ارزشی ناشی از آن، در سال‌های اخیر، با گسترش زیادی مواجه شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: روابط جنسی پیش از ازدواج، روابط عاشقانه، روابط ضد عاشقانه، عشق سیال، هم‌خانگی.

مقدمه

مطالعه تحولات اجتماعی ایران از تغییراتی آرام ولی گسترده در سال‌های اخیر خبر می‌دهد. با گسترش امکانات جدید ارتباطی، جامعه ایران به تدریج با امواج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه شده است (رفیع‌پور، ۱۳۸۰؛ آزادارمکی و دیگران، ۱۳۸۱؛ ساروخانی و صداقتی‌فر، ۱۳۸۸). ورود امکاناتی چون ماهواره و اینترنت به خانه‌ها سبک‌های متفاوتی از زندگی را، از جوامع و فرهنگ‌های متفاوت، پیش روی مخاطبان ایرانی خود قرار داده است و، به گونه‌ای غیر مستقیم و پنهان، ارزش‌های پیشین آن‌ها را به چالش طلبیده و درعین حال، برای زندگی، گزینه‌های جدیدی مقابل آن‌ها می‌گذارد؛ نمایش شیوه‌های دیگری از زندگی که به تغییر تدریجی ارزش‌ها و نگرش‌ها در جامعه منجر شده است. این فرایند تغییرات ارزشی خود را در شکاف‌های بین‌نسلی به خوبی نشان می‌دهد (عباسی و ایمان، ۱۳۸۶). چرخشی در نسل و روندی که نشانه تغییر در جامعه‌ای است که هنجارها و ارزش‌های سنتی آن کم‌تر در جوانان تأثیرگذار است. تغییرات ارزشی با شکاف بین نسل‌ها و پشت‌کردن نسل‌های جوان‌تر به ارزش‌های سنتی در جامعه شروع می‌شود و ممکن است به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر بینجامد.

از طرفی، در کنار تحولات نظام ارزشی در سال‌های اخیر، جامعه ایرانی با تغییرات

اجتماعی و ساختاری دیگری نیز در این سال‌ها دست‌به‌گریبان است. یکی از این موارد، تغییر ساختار اقتصادی کشور و تبعات اجتماعی متعدد آن بر رفتارهای جوانان است. اکنون فاصله بین «بلوغ جنسی» و «بلوغ اقتصادی» در ایران به بیش از ۱۰ سال رسیده است؛ فاصله‌ای که روبه‌روز در حال افزایش است. بلوغ اقتصادی با اشتغال پایدار حاصل می‌شود و، در این میان، اشتغال جوانان به یکی از مسائل کلیدی در جامعه ایرانی بدل شده است. اشتغال مقدمه ازدواج است و مشکلات اقتصادی بر سن ازدواج در شهرهای بزرگ می‌افزاید. این همه در حالی است که ازدواج تنها راه مشروع ارضای نیاز جنسی در ایران است و اکنون این راه با موانع زیادی روبه‌رو شده است. افزایش سن ازدواج فشارهای زیادی به جوامع با ساختار سنتی وارد کرده است. در حال حاضر، در ایران، بیش از ۱۲ میلیون جوان در سن ازدواج‌اند که هنوز ازدواج نکرده‌اند.^۱

از سوی دیگر، تعداد افراد قبول‌شده در دانشگاه‌ها از چند دهه گذشته بسیار بیش‌تر شده است و اکنون با چندین میلیون فارغ‌التحصیل بیکار مواجه‌ایم که برای ازدواج در سنین مناسب خود شانس چندانی ندارند. طبق گزارش‌های رسمی دولت، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در ایران ۱۰ برابر بیکاری غیر دانشگاهیان است.^۲ جامعه ایرانی اکنون با مسئله مهمی مواجه شده است: میلیون‌ها جوان، که درس و مطالعه و دانشگاه را رمز خوشبختی خود می‌پنداشتند، به امید داشتن زندگی بهتر، راهی طولانی را سپری کرده‌اند و، پس از سال‌ها تلاش، بسیاری از آن‌ها فهمیده‌اند آبی که از دور دیده‌اند سرابی بیش نبوده است و زیرکان همان‌هایی بوده‌اند که به این سراب اعتماد نکردند و از همان ابتدا به دنبال آن نرفتند. این عوامل در کنار عوامل دیگر سبب شده است که میزان افسردگی در سال‌های اخیر در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بالا رود (لطفی‌نیا، ۱۳۸۸) و به تدریج احساس آنومی (anomie) در آنان افزایش یابد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸؛ افقی و صادقی، ۱۳۸۸). احساس آنومی، خود، به شکل‌گیری ارزش‌هایی جدید در میان بخشی از جوانان جامعه منجر شده است.

این وضعیت فقط مربوط به فارغ‌التحصیلان بیکار نیست؛ بلکه افراد شاغل هم با «نامنی شغلی» شدیدی در ایران مواجه‌اند. با فرایند خصوصی‌سازی در کشور، مسئله نامنی شغلی در سال‌های اخیر برجسته‌تر هم شده است. «نامنی شغلی» از مسئله «بیکاری» فراتر است و به شاغلانی نظر دارد که آینده شغلی خود را ناپایدار احساس می‌کنند. یکی از شاخصه‌های مشاغل ناپایدار «قراردادهای موقت» کاری است. این وضعیت، در سازمان‌های اقتصادی ایران، روبه‌روز فراگیرتر می‌شود. امروزه، قراردادهای کوتاه‌مدت کارفرمایان را معییر می‌کند

که با اندک هزینه‌ای (و گاهی حتی بی‌هیچ هزینه‌ای) هر زمان که بخواهند کارمندان خود را از کار اخراج کنند. در دوران معاصر، استخدام بلندمدت و عمرانه رو به فراموشی است و همین امر جهان مدرن را به جهانی مخاطره‌آمیز بدل کرده است. فرایند اصلاح نظام اقتصادی، خصوصی‌سازی، و حرکت به سمت الگوی نظام سرمایه‌داری به شکل‌گیری تغییرات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای در لایه‌های شهری ایران منجر شده است. رقابتی شدن اقتصاد، آسایش را آورده و آرامش را برده است؛ امنیت شغلی از بین رفته و آینده شخصی غیر شفاف شده است. کاهش امنیت اقتصادی افراد امنیت روانی آنان را نیز ستانده است. در گذشته، مشکلات اقتصادی یکی از عوامل عمده «طلاق» در جامعه بود؛ اما امروزه مشکلات اقتصادی به یکی از عوامل عمده «ازدواج نکردن» بدل شده است. «بیکاری» و «ناامنی شغلی»، در فضای جدید، به پدیده «ترس از ازدواج» در جامعه منجر شده است؛ کنش‌گر تحصیل‌کرده امروز بسیار حساب‌گراتر از کنش‌گر تقدیرگرای دیروز است. در شرایط جدید، افراد مانند گذشته به راحتی تن به ازدواج نمی‌دهند که طلاق بهای سنگین آن باشد. نتیجه این تحولات، افزایش سن ازدواج در سال‌های اخیر و شکل‌گیری الگوهای جدید رفتاری در پی آن بوده است.

در این میان، افراد مختلف با فشارهای ناشی از «بلوغ جنسی»، از یک سو، و «افزایش سن ازدواج»، از سوی دیگر، و شکاف رو به گسترش میان این دو به گونه‌های متفاوتی برخورد می‌کنند. شکل‌گیری نگرش‌های آنومیک و پیدایش ارزش‌های جدید یکی از تبعات این گسست فرایند است. تغییرات نظام ارزشی و تغییر ساختار اقتصادی ایران، به تدریج، زمینه را برای بروز الگوهای نوینی از رفتارهای جنسی در میان بخشی از جوانان ایرانی فراهم کرده است؛ شکل‌گیری ارزش‌هایی نوین و پیدایش الگوهای جدیدی از رفتار که به‌مثابه پاسخ‌هایی به نیازهای درونی ارضانگشته آنان عمل می‌کنند. اندک تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد که روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران در حال افزایش است (سلیمی‌نیا و دیگران، ۱۳۸۴؛ گرمارودی و دیگران، ۱۳۸۸؛ خلج‌آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹؛ Mohammad et al., 2007؛ Mahdavi, 2008). گسترش این‌گونه روابط از جمله موضوعات حساس و عموماً مغفول در امر سیاست‌گذاری و مطالعات آکادمیک در ایران است. امروزه، تفاوت در نگرش به «نحوه رابطه» با جنس مخالف به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های مناقشه بین نسلی در خانواده‌های شهری بدل شده است (Blesk & Buss, 2001). بیش‌تر این روابط پنهانی و دور از چشم والدین شکل می‌گیرد و تداوم

می‌یابد. در این بین، «جوانی جمعیت» و «رفتارهای پرخطر» جوانان (زاده‌محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸؛ عطایی و دیگران، ۱۳۸۸؛ هدایتی‌مقدم و فتحی‌مقدم، ۱۳۸۸) به یکی از عوامل هشداردهنده در ایران تبدیل شده است. مسئولان ذی‌ربط از احتمال گسترش ایدز در میان جوانان سخن می‌گویند و تلویحاً گسترش روابط جنسی پرخطر در این سنین را عاملی برای آغاز شکل‌گیری «موج سوم ایدز»^۳ در ایران می‌دانند. مسئله‌ای بغرنج در حال پدیدآمدن است و سیاست غالب نیز نادیده‌گرفتن آن است. در این میان، بسیاری از والدین هم از ماجرا باخبر نیستند. بیشتر جوانان والدین خود را محرم اسرار جنسی‌شان نمی‌دانند؛ و این بی‌اطلاعی خانواده‌ها کنترل آن‌ها را بر فرزندانشان مشکل کرده است.

از سوی دیگر، خلأ وجود تحقیقات سنخ‌شناسانه پیشین سبب شده است که بسیاری از مسئولان همه شکل‌های روابط جنسی پیش از ازدواج در سال‌های اخیر را به یک چشم بنگرند و در نتیجه راه‌کارهای یکسانی بدهند و از درک پیچیدگی‌های واقعیت‌های اجتماعی غافل بمانند و خاستگاه‌های گوناگون اجتماعی آن‌ها را درنیابند. نداشتن شناختی دقیق از بیماری‌های اجتماعی راه‌های تشخیص و درمان آن‌ها را هم با اشتباهات خطرناکی مواجه خواهد کرد. لذا این مطالعه، با این دیدگاه، رسالت و هدف خود را سنخ‌شناسی (typology) از الگوهای متفاوت روابط جنسی پیش از ازدواج در نظر گرفته است تا از این طریق بتوان به فهمی عمیق‌تر از وضعیت موجود در لایه‌های پنهان جامعه شهری دست یافت؛ فهمی که خود می‌تواند زمینه‌ای پژوهشی و مدیریتی برای مطالعات و برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر بعدی باشد.

مروری بر ادبیات پیشین

تحلیل جامعه‌شناختی واقعیت‌های اجتماعی، بدون بررسی ریشه‌های آن، همیشه مطالعه‌ای ضعیف و کم‌بینه بوده است. مطالعه بسترهای تاریخی پدیده‌های اجتماعی پنجره‌های پنهان واقعیت را به روی محقق می‌گشاید و به او اجازه می‌دهد عواملی را که در گذشته حادث شده‌اند و امروز به حیات خود ادامه می‌دهند با فهم عمیق‌تری دریابد. بر همین اساس، همیشه از وظایف مهم جامعه‌شناسی، شناخت زایشگاه تاریخی واقعیت‌های اجتماعی و تحلیل وضعیت آن‌ها از گذشته تا امروز بوده است و این مهم از دقیق‌ترین راه‌ها در فهم تغییرات اجتماعی جهان معاصر محسوب می‌شود. در همین راستا، مطالعه در زمینه «روابط جنسی پیش از ازدواج» را نیز می‌توان در این چهارچوب در دو سطح مختلف پی‌گیری کرد: تحولات روابط جنسی چند دهه اخیر در «جهان» و سال‌های اخیر در «ایران».

مطالعات در زمینه جامعه‌شناسی خانواده از تغییرات گسترده‌ای در این حوزه در طی نیم‌قرن اخیر در سراسر جهان حکایت دارد؛ تغییراتی که عوامل متعددی منجر به بروز آن‌ها شده و درعین حال پیامدهای گوناگونی برای جوامع متعدد در پی داشته است. یکی از این تغییرات، شیوع روابط جنسی پیش از ازدواج در این جوامع بوده است. گسترش رابطه جنسی پیش از ازدواج محصول «انقلاب جنسی» (sexual revolution) در اواخر دهه ۱۹۶۰م در جوامع غربی بوده است (Legkaskas & Stankeviciene, 2009). در چند دهه پیش، این روندها حتی برای مردم کشورهای توسعه‌یافته پدیده‌ای جدید بود و طرف‌داران کمی داشت؛ اما به تدریج این تغییرات ارزشی صورتی فراگیرتر پیدا کرد. هاردینگ و جنکس (Harding & Jencks, 2003) نشان داده‌اند که، در سال ۱۹۶۹، از نظر بیش از ۷۵ درصد آمریکاییان رابطه جنسی پیش از ازدواج امری زشت و مذموم بود؛ اما، فقط چند سال بعد، دیدگاه غالب به این‌گونه روابط در امریکا تغییرات فاحشی پیدا کرد؛ به‌طوری‌که در دهه ۱۹۸۰م، فقط ۳۳ درصد آمریکاییان رابطه جنسی پیش از ازدواج را امری ناپسند می‌دانستند و این در حالی است که در جامعه امروز امریکا تقریباً همه جوانان رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه می‌کنند (Regnerus & Uecker, 2011).

این تغییرات به امریکا محدود نشد و کشورهای اروپایی را هم فرا گرفت و، بعد از آن، به تدریج به سایر نقاط جهان در اشکال متفاوت اشاعه یافت. در امریکای شمالی و اروپا، شیوع «رابطه جنسی پیش از ازدواج» با «افزایش سن ازدواج» رابطه مستقیمی دارد (Welling et al., 2006). در چند دهه اخیر، در این کشورها نه تنها سن ازدواج (marriage age)، افزایش یافته؛ بلکه درصد ازدواج (marriage rate) هم نسبت به دوره‌های قبل «کاهش» چشم‌گیری داشته است (Lee, 2010; Bumpass & Lu, 2000). امروزه جوانان، در این کشورها، «کم‌تر» و «دیرتر» ازدواج می‌کنند. این تغییرات گویای آن است که، در چند دهه اخیر، واقعه‌ای مهم در این جوامع روی داده است. تحولات اقتصادی و تغییرات اجتماعی در پی آن بسیاری از معادلات را بر هم زده و الگوهای ناپایدار روابط شخصی به تدریج به مثابه رقیبی جدی در مقابل ازدواج، به‌عنوان الگوی روابط پایدار، مطرح شده است. در این کشورها، رابطه جنسی پیش از ازدواج و تداوم آن به پیدایش گونه‌های جدیدی از خانواده منجر شده است که «هم‌خانگی» (cohabitation) یکی از مهم‌ترین آن‌ها در غرب است؛ خانواده‌ای جدید که به‌سرعت در حال افزایش است. هم‌خانگی، که در ادبیات جامعه‌شناختی ایرانی از آن با نام‌های هم‌بالینی و هم‌باشی

هم یاد می‌شود، همان زندگی مشترک بدون ازدواج و غیر رسمی یک زوج با یک‌دیگر است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۹۵). در الگوی جدید، «تعهد قانونی» بین دو شریک جنسی رنگ می‌بازد و «تعهد عاطفی» پررنگ می‌شود. امروزه ۳۰ درصد جوانان انگلیسی هم‌خانگی را بر ازدواج مقدم می‌دانند (Barlow et al., 2005) و این در حالی است که، در اسکاندیناوی و کشورهای شمال اروپا، هم‌خانگی کاملاً ازدواج را به حاشیه رانده است. در این کشورها، بیشتر جوانان هم‌خانگی را به ازدواج ترجیح می‌دهند (Wiik et al., 2009).

در این بین، فرایند تحولات جهانی، در چند دهه اخیر، به اروپا و امریکا محدود نشد و به تدریج قاره‌های دیگر را هم درنوردید. با افزایش فناوری‌های ارتباطی و کوچک‌شدن جهان، روند تغییر الگوهای روابط جنسی به نقاط متعدد جهان هم اشاعه یافت؛ مثلاً در آسیا و در چند دهه اخیر در چین - به‌خصوص بعد از سیاست درب‌های باز در دهه ۱۹۷۰ م در این کشور و اصلاحات گسترده اقتصادی پس از آن در دهه ۱۹۸۰ م - به تدریج نگرش‌های عمومی به روابط جنسی پیش از ازدواج تغییر کرد و چنان گسترش و تنوع یافت که «مسئله امروز» جامعه چین را از روابط جنسی «پیش» از ازدواج (premarital sex) به روابط جنسی «خارج» از ازدواج (extramarital sex) مبدل کرده است. جامعه امروز چین با حجم انبوه جوانانی مواجه است که به‌هیچ‌وجه حاضر نیستند ازدواج رسمی کنند و در قالب‌های دیگری، چون هم‌خانگی یا روابط آزاد و رابطه با روسپیان، رابطه جنسی دارند که نتیجه آن افزایش چشم‌گیر بیماری‌های مقاربتی چون ایدز برای جامعه چین بوده است (Zhang & Li, 1999). این تغییرات اجتماعی به سایر نقاط آسیا نیز اشاعه یافته است. گومن و همکارانش (Ghuman et al., 2006) در مطالعه خود نشان داده‌اند که، در چند دهه اخیر، رابطه جنسی پیش از ازدواج در کشورهای در حال توسعه‌ای چون ویتنام نیز نه تنها افزایش یافته بلکه الگوی آن هم تغییر کرده است. این روابط، در گذشته، بیش‌تر به ارتباط با کارگران جنسی (sex workers) خلاصه می‌شد، اما جوانان امروزی در ویتنام بیش‌تر تمایل دارند با کسی رابطه جنسی داشته باشند که می‌خواهند با او ازدواج کنند. نتایج تحقیق گومن نشان می‌دهد که ۴۲ درصد مردان ویتنام شمالی و ۲۵ درصد مردان در ویتنام جنوبی، قبل از ازدواج، با همسر فعلی‌شان رابطه جنسی داشته‌اند؛ الگوهای جدیدی از رابطه که در گذشته نزدیک هم چندان خبری از آنها نبود. بر اساس مطالعات ساکالی و گلیک (Sakalli & Glick, 2003)، در ترکیه هم، پس از تحولات اقتصادی در چند دهه اخیر، روندهای تقریباً مشابهی از «تغییرات ارزشی» مشاهده شده است. به گفته آن‌ها، در گذشته، فرهنگ عمومی

ترکیه چنان بود که روابط جنسی پیش از ازدواج، در صورت آشکارشدن، به رسوایی بزرگی تبدیل می‌شد. اما، در دو دههٔ اخیر، این دید منفی درمورد مردان کم‌کم از بین رفت؛ درحالی‌که برای دختران باکره این روابط هم‌چنان تابو (taboo) بود. گرچه مطالعات اخیر در ترکیه نشان داده است که با تغییر نگرش‌ها به ارزش بکارت (virginity) دختران هنگام ازدواج، این روابط میان دختران ترک هم، روزبه‌روز، گسترش می‌یابد (Erkmen & Dillbazan, 2001). تحقیقات در کشورهای دیگری چون هند، ژاپن و اندونزی گویای آن است که در چند دههٔ اخیر، با تغییرات گستردهٔ اقتصادی و اجتماعی در این جوامع، روابط جنسی پیش از ازدواج در این جوامع سنتی و قدیمی هم روند روبه‌رشدی را طی کرده است و الگوهای متفاوتی از انواع این روابط را در خود نشان می‌دهد (Alexander et al., 2002; Raymo et al., 2009; Utomo, 2002).

باید این نکته را در نظر داشت که نمی‌توان به‌سادگی این تحولات را به سنت، پیشینه و تاریخ جوامع غربی و سایر جوامع مذکور در بالا احاله داد و منکر شکل‌گیری این‌گونه روابط یا روابط مشابه در ایران شد؛ چراکه مطالعات متعدد در ایران نیز از تغییراتی گسترده ولی پنهان در زیر پوست شهر و میان جوانان شهری خبر می‌دهد (Afary, 2009). در این زمینه، به هر علت، تحقیقات چندانی در ایران صورت نگرفته است. یکی از تحقیقات جالب توجه در این زمینه، مربوط به کار پردیس مهدوی (Mahdavi, 2008) است. رویکرد مهدوی کیفی بوده است. نمونه‌های آماری او پسران و عمدتاً دختران طبقه‌های متوسط و بالای تهران و مشهد بوده‌اند. او در تحقیق خود نشان می‌دهد که جامعهٔ ایران با تغییرات ارزشی گسترده‌ای مواجه شده است و بسیاری از جوانان ایرانی رابطهٔ جنسی پیش از ازدواج را رابطه‌ای کاملاً سالم و بهنجار می‌دانند. تحقیق او نشان می‌دهد که رابطهٔ جنسی کنترل‌نشده در ایران افزایش یافته است و بسیاری از جوانان طبقات متوسط و بالای شهری از لوازم پیش‌گیری از بیماری‌های مقاربتی استفاده نمی‌کنند که، در نتیجه، خطر بیماری‌هایی چون ایدز را میان آنان گسترش داده است.

در تحقیقی دیگر، آزادارمکی و شریفی ساعی (۱۳۹۰) نشان داده‌اند که، با مشکل شدن ازدواج و بسته‌شدن راه‌های مشروع برقراری رابطهٔ جنسی، الگوهای رفتاری غیر مشروع و آنومیک در جامعه گسترش یافته است؛ الگوهایی از رابطه که فرد به‌دنبال یافتن راه‌هایی جدید برای ارضای نیازهای خویش است. به‌گفتهٔ آن‌ها، افزایش سطح تحصیلات در سال‌های اخیر و ورود دختران به عرصه‌های اجتماعی (دانشگاه و محیط کار)، به‌تدریج،

ارتباط دختر و پسر را ساده و هم‌چنین فناوری‌های ارتباطی جدید (تلفن همراه و چت) این ارتباط را پنهان کرده است. امروزه، جوانان ایرانی از محدودیت‌های فضاهای عمومی پرهیز می‌کنند. فناوری در این میان نقش عمده‌ای دارد؛ تلفن همراه و چت‌روم‌های اینترنتی ارتباط اجتماعی را در همه‌جا ممکن کرده است. شکل‌گیری ارتباط‌هایی که در بسیاری از موارد به شکل تمایلات جنسی تغییر سطح داده است.

تحقیقات مشابه دیگری نیز در سال‌های اخیر انجام گرفته است که بیش‌تر با روش کمی به مطالعه روابط جنسی پیش از ازدواج پرداخته و آمارهای متفاوت ولی نزدیک به هم را از شیوع این روابط در جامعه ایران ارائه داده‌اند. گرمارودی و همکارانش (۱۳۸۸)، در تحقیق خود، با مطالعه ۲۴۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی (۱۴ تا ۱۷ سال) به این نتیجه رسیده‌اند که بیش از ۲۰ درصد آنان رابطه جنسی را در زندگی خود تجربه کرده‌اند. خلج‌آبادی و مهریار (۱۳۸۹) نیز در تحقیق خود بیان می‌کنند که نزدیک به ۲۵ درصد «دختران مجرد» دانشجوی در دانشگاه‌های بزرگ تهران، در زندگی خود، به داشتن نوعی رابطه جنسی اشاره کرده‌اند که ۱۰ درصد آن‌ها به رابطه کامل جنسی ختم شده است. ازطرفی، محمد و همکارانش (Mohammad et al., 2007) نیز در تحقیق خود در سال ۱۳۸۶ نشان داده‌اند که ۲۸ درصد نوجوانان و جوانان شهری رابطه جنسی قبل از ازدواج را تجربه کرده‌اند. هم‌چنین نتایج گزارش وزارت بهداشت (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که حدود ۲۰ درصد پسران و کم‌تر از ۱۰ درصد دختران تا ۲۰ سالگی رابطه جنسی را تجربه می‌کنند و حال آن‌که بیش از ۳۰ درصد پسران تا ۲۵ سالگی رابطه جنسی پیش از ازدواج داشته‌اند.

تحقیقات بالا نشان می‌دهد که روند افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج، با تغییر آرام ارزش‌ها، ابتدا تغییر در ساختار خانواده و کارکردهای آن را در پی دارد و سپس، با تغییر گفتمان غالب، حتی می‌تواند به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر منجر شود. از سوی دیگر، با نگاهی کوتاه به ادبیات پیشین در این حوزه، مشخص شد که تحقیقات صورت‌گرفته در ایران صرفاً به میزان فراوانی و شیوع این روابط و گاهی علل شکل‌گیری آن‌ها پرداخته‌اند اما، در این میان، تحقیقی که در آن بتوان الگوها و سنخ‌های گوناگون این روابط را از یک‌دیگر شناسایی کرد به چشم نمی‌خورد؛ رسالتی که این تحقیق به دنبال انجام دادن آن است.

روابط جنسی پیش از ازدواج، به تدریج، در طول زمان، خود را در «الگوها و سنخ‌های متنوعی» بازتولید کرده و ریشه‌ها و علت‌های متفاوتی یافته است؛ اما مطالعات جامعه‌شناختی ایرانی به این موضوع حساس و سطوح گوناگون آن بسیار کم پرداخته است؛

موضوعی که می‌تواند تأثیرات بسیار بر نهاد خانواده و آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن بگذارد که همین امر اهمیت انجام دادن این تحقیق را نمایان می‌کند.

سنخ‌شناسی چیست؟

نظر به این که، در این پژوهش، به دنبال سنخ‌شناسی یا تیپولوژی خرده‌فرهنگ‌های روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران هستیم، نخست تعریف و تشریح این مفهوم بایسته است. سنخ مجموعه‌ای از اشخاصی است که دست‌کم در یک ویژگی مورد مطالعه با یک‌دیگر مشترک باشند. سنخ‌شناسی تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌ها است با توجه به مشخصات آنان و برپایه معیار یا معیارهایی خاص که محقق در تحقیق خود در نظر دارد (Mitchell, 2007). این معیارها ممکن است عینی، ساده و غیر متعدد (نظیر سن، جنس و نژاد، و رویدادهای اجتماعی) یا ذهنی (نظیر ایدئولوژی) باشد. در همه علوم، مخصوصاً جامعه‌شناسی، سنخ‌شناسی اهمیت بسیار دارد؛ مثلاً، دورکیم (D. É. Durkheim)، هنگام بحث درباره خودکشی، آن را به «انواع» خودکشی‌های ناشی از بی‌هنجاری، خودخواهانه، و دگرخواهانه تقسیم می‌کند؛ یا رابرت مرتون (R. K. Merton)، که بر طبق سنخ‌شناسی انطباق افراد با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، به پنج گونه متفاوت رفتاری دست یافته است. هدف از سنخ‌شناسی، توصیف دقیق وضع موجود است (و نه تبیین آن). این توصیف و شناخت طبقه‌بندی شده زمینه را برای تبیین پدیده و سپس پیش‌بینی تحولات آینده و کنترل آن‌ها فراهم می‌آورد. پیش‌نیاز «تبیین» هر پدیده اجتماعی «توصیف» دقیق وضعیت آن است؛ و سنخ‌شناسی زمینه‌ای مناسب برای توصیف دقیق و عمیق وضع موجود را فراهم می‌آورد.

روش پژوهش

این تحقیق با «رویکرد کیفی» انجام شده است که به دنبال سنخ‌شناسی رفتار کنش‌گران در زمینه روابط جنسی نامتعارفشان در جامعه است. درک عمیق و جامع الگوهای پدیدارها رسالت پژوهش کیفی است (Rich & Ginsburg, 1999: 37). تحقیق اکتشافی کیفی روش پژوهش «استقرایی» و «اکتشافی» است که نه برای آزمون فرضیه بلکه برای تولید آن است. لذا، از این جهت، این تحقیق فاقد فرضیات اولیه است. جامعه آماری، در این پژوهش، «پسران و دختران مجرد تهرانی» اند که رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه کرده‌اند. در این مطالعه، از روش «نمونه‌گیری گلوله‌برفی» (snow ball sampling) یا

«نمونه‌گیری زنجیره‌ای» (chain sampling) استفاده شده است. این روش نمونه‌گیری غالباً در موقعیت‌هایی کاربرد دارد که محقق با جمعیت‌های پنهان مواجه است و پاسخ‌گویان قابل شناسایی نیستند؛ مانند مصرف‌کنندگان مواد مخدر، روسپیان، و افراد دارای روابط جنسی نامتعارف. روند نمونه‌گیری در این تحقیق بدین صورت بود که ابتدا چند نمونه اول از طریق شبکه‌های گوناگون روابط اجتماعی انتخاب شدند؛ سپس همان نمونه‌ها، پس از مصاحبه و فرایند جلب اعتماد، رابط و واسطی برای دستیابی به نمونه‌های مراحل بعدی شدند. به این ترتیب، زنجیره‌ای از نمونه‌های گوناگون با معرفی نمونه‌های مراحل قبلی به دست آمد.

در نهایت، در این پژوهش با ۵۴ نفر از پسران و دخترانی که رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه کرده‌اند مصاحبه شد. با توجه به «منطق نمونه‌گیری کیفی»^۶، معیار ورود به «نمونه»، در این پژوهش، داشتن تجربه رابطه جنسی پیش از ازدواج و هم‌چنین تمایل به بیان آن در قالب مصاحبه کامل بوده است. از طرفی، معمولاً نمونه مورد مطالعه در تحقیقات کیفی کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نیست و حجم نمونه با سطح اشباع‌پذیری ارتباط تنگاتنگی دارد. «تکرار» داده‌های جمع‌آوری شده قبلی مشخص‌کننده تعداد نمونه‌های لازم برای تحقیق است که همین مسئله را «اشباع داده‌ها» (data saturation) می‌نامند. در این مطالعه، برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (semi-structure interview) و تعاملی (interactive) استفاده شده است. این نوع مصاحبه، به سبب انعطاف‌پذیری و عمیق‌بودن آن، برای پژوهش‌های کیفی از این دست مناسب است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های انفرادی استفاده شده است. زمان مصاحبه نیز نامحدود بوده و بستگی به وضعیت شرکت‌کنندگان داشته است (بین ۹۰ تا ۳۰۰ دقیقه).

توصیف داده‌ها

در این قسمت، توصیفی از متغیرهای زمینه‌ای تحقیق ارائه شده است؛ متغیرهایی چون سن، جنسیت، تحصیلات، و وضعیت اشتغال و درآمد شخصی پاسخ‌گویان.

۱. سن و جنسیت پاسخ‌گویان

از میان پسران و دخترانی که مصاحبه شده‌اند، جوان‌ترین آن‌ها ۲۱ ساله و مسن‌ترین آن‌ها ۳۴ ساله بوده است، که میانگین سن آنان در حدود ۲۶ سال می‌شود. هم‌چنین، در این

تحقیق، ۲۵ نفر (۴۶ درصد) از پاسخ‌گویان را دختران و ۲۹ نفر (۵۴ درصد) از آن‌ها را پسران تشکیل داده‌اند (مجموعاً ۵۴ نفر).

۲. تحصیلات و اشتغال پاسخ‌گویان

جدول ۱. وضعیت اشتغال و تحصیلات پاسخ‌گویان برحسب جنسیت

جمع	پسر		دختر		
	غیر شاغل	شاغل	غیر شاغل	شاغل	
۹	۱	۴	۳	۱	دیپلم و پایین‌تر
۳۱	۶	۱۰	۹	۶	فوق دیپلم و لیسانس
۱۴	۳	۵	۴	۲	فوق لیسانس و بالاتر
۵۴	۱۰	۱۹	۱۶	۹	جمع

مطابق جدول ۱، حدود نیمی از پاسخ‌گویان شاغل و نیمی دیگر غیر شاغل بوده‌اند که، در این میان، سهم مردان شاغل (۶۵ درصد) بیش از زنان شاغل (۳۶ درصد) بوده است. هم‌چنین بیش‌تر غیر شاغلان را دانشجویانی تشکیل می‌دادند که در زمان این مطالعه مشغول تحصیل بودند. از طرفی، حدود سه‌چهارم پاسخ‌گویان تحصیلات دانشگاهی داشته و بیش از نیمی از این تعداد دارای مدرک لیسانس بوده‌اند. نتایج جدول گویای آن است که ظاهراً متغیر سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال نقش چندانی در «ورود» به این روابط نداشته است و از همه سطوح تحصیلی و با هر نوع وضعیت شغلی (شاغل و بیکار) به‌نحوی در این روابط حضور دارند. شایان ذکر است این متغیرها صرفاً در نوع الگوهای رابطه تغییر ایجاد می‌کنند، نه در شکل‌گیری این روابط.

تحلیل یافته‌ها، سنخ‌شناسی روابط جنسی پیش از ازدواج

روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران پدیده نوظهوری نیست، اما این پدیده دیرین الگوهای نوینی در دنیای امروز به خود گرفته و خود را با وضعیت جدید به گونه‌های متفاوتی سازگار کرده است. لایه‌های پنهان روابط شهری الگوهای متفاوتی از روابط پیش از ازدواج را نشان می‌دهند؛ الگوهایی که هریک شاخصه‌هایی مخصوص به‌خود و پیروانی

مجزا دارد و با متغیرهای متفاوتی مشخص می‌شود. این الگوهای نوین رفتاری سوژه‌های اجتماعی را در جهات مختلفی فرامی‌خوانند. افراد در این الگوها نه فقط رفتارها که ارزش‌های متفاوتی پیدا کرده‌اند.

در ادامه، هریک از این الگوهای رفتاری و مناسبات درونی آن‌ها به تفصیل توضیح داده می‌شود:

۱. روابط غیر عاشقانه

مشخصه روابط غیر عاشقانه نداشتن تعلق عاطفی و تعهد جنسی میان طرفین رابطه است. در این دسته، پرداخت پول یا کالا از طرف مرد در قبال «خدمات ارائه شده» توسط زن امری کاملاً ضروری برای ایجاد و تداوم رابطه است. روابط عاشقانه خود به دو زیردسته دیگر تفکیک می‌شود: «روابط آزاد» و «روابط صیغه‌ای».

۱.۱ روابط آزاد، پیدایش الگوهای روسپی‌گری

روابط آزاد بارزترین نمود روابط غیر عاشقانه است. این روابط تداوم الگوهای روسپی‌گری است. روابط آزاد در سوژه‌هایی یافت می‌شود که به رابطه جنسی در قبال پرداخت (یا دریافت) پول اقدام می‌کنند. این روابط پدیده جدیدی نیست و از جمله انحرافات اجتماعی است که قدمتی به درازای تاریخ دارد. خرید و فروش بدن از ویژگی‌های این نوع از روابط است. کالایی شدن روابط جنسی، در این دسته، عرضه و تقاضا را در سطحی متفاوت از سایر دسته‌ها بازنمایی می‌کند. روسپی نه به فردی خاص که به درآمد خویش می‌اندیشد. آنچه این افراد را به یکدیگر متصل می‌کند باوری مشترک است؛ باور به این که بدن انسان یک «شیء» است که می‌توان آن را مانند هر کالای دیگری خرید و فروخت. در الگوهای رابطه آزاد، یکی به دنبال پُرکردن جیب است و دیگری در پی ارضای تن. مفهوم «عشق» در این روابط معنایی ندارد و آن چیزی که اهمیت می‌یابد تجربه بدن‌های تازه برای مردان و تأمین مالی برای زنان است.

نتایج تحقیق گویای آن است که سوژه‌های این دسته اعتقاد چندانی به جنبه‌های دینی و محدودیت‌های آن در برقراری رابطه‌هایشان ندارند. مردان در این الگو درمقایسه با زنان فعال در آن اساساً انگیزه‌هایی متفاوت از یکدیگر در سر می‌پروراند و هم‌چنین مردان به دنبال اطفای غریزه و زنان در جست‌وجوی معاش‌اند. به سبب محدودیت‌های اندکی که مردان در

این رابطه‌ها برای خود قائل‌اند، گروه‌های هدف آنان بسیار گسترده شده است. این مردان با هر دختر یا زنی که بتوانند او را تطمیع، اقناع یا مجبور به برقراری رابطه کنند وارد رابطه جنسی می‌شوند. این سوژه‌ها، غیر از پارک‌ها، خیابان‌ها، معرفی دوستان و شبکه‌های روابط اجتماعی، از امکانات گوناگونی چون تلفن همراه و اینترنت نیز برای پیدا کردن افراد مورد نظرشان بهره می‌گیرند. حس تنوع‌طلبی زیادی در این دسته از سوژه‌ها مشاهده می‌شود. اغلب این افراد هیچ قیدوبندی برای خود قائل نیستند و معمولاً از هر رابطه جدیدی استقبال می‌کنند.

بهر روز، ۲۷ ساله، دیپلم، و شاغل می‌گوید:

من تا حالا دوست دخترم نداشتم (نداشتن ارتباط عاطفی با جنس مخالف) ... یکی از رفیق‌ها، شماره‌ی خاله‌ای^۷ رو بهم داد و من هم بهش زنگ زدم (نقش فناوری‌های نوین در پنهان کردن روابط). گفتم فلانی من رو معرفی کرده. اگه نگی کی معرفیت کرده، اون جوابت رو نمی‌ده؛ مثلاً شما اگه الان بهش زنگ بزنی، اون بهت جواب نمی‌ده اما اگه بگی من معرفیت کردم جوابت رو می‌ده (فرایند جلب اعتماد برای «خرید» فحشا). به خاله گفتم یکی رو جور کن فردا می‌خوام بیام. گفت چی می‌خوای؟ گفتم خاله به کسی رو می‌خوام که قیافه‌اش این‌طوری باشه، سنش انقدر باشه، هیکلش این‌طوری باشه و این‌ها. اون هم گفت باشه سعی می‌کنم برات جور کنم (کالایی شدن بدن زنانه، خرید و فروش رابطه جنسی).

علی‌رضا، ۲۴ ساله، لیسانس، و غیر شاغل می‌گوید:

تو این رابطه‌ها، دائم شرایط و آدم‌ها عوض می‌شن و تو هر بار با یه نفر جدید هستی (تنوع‌طلبی، هرج‌ومرج جنسی) و دیگه اصلاً عاطفه‌ای این وسط نمی‌مونه. تو پول می‌دی و فقط هم باید به لذت خودت فکر کنی (جست‌وجوی نیاز جنسی صرف).

رفتارهای سوژه در این دسته کاملاً دلالت‌مند است. او نمی‌تواند با شریک جنسی‌اش رابطه عاطفی برقرار کند؛ چراکه او را «روسپی» می‌پندارد و نه معشوقه‌ای که لحظه وصال با او را لحظه رویایی پیوند بنامد. بر همین اساس، او به سمت برقراری رابطه جنسی صرف متمایل می‌شود و، در نتیجه، به سبب «نداشتن تعلق عاطفی» به یک شخص خاص، «تنوع‌طلبی جنسی» در او رشد می‌کند. کسی که نمی‌تواند عشق بورزد به هرج‌ومرج جنسی کشیده می‌شود. کیفیت جنسی افرادی که در این‌گونه روابط غرق می‌شوند ضعیف است. آنان سعی می‌کنند «فقدان کیفیت» را با «افزایش کمیت» جبران کنند. وقتی رابطه جنسی سوژه کیفیت لازم را نداشته باشد، به سمت کمیت و تنوع‌طلبی سوق پیدا می‌کند.

در این گفتمان، افراد با وضعیت‌های تحصیلی و شغلی متفاوت حضور داشتند و به این نتیجه رسیدیم که متغیر سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال در این روابط چندان تعیین‌کننده نیست. نکته مهم در این دسته، که آن‌ها را از دسته‌های بعدی متمایز می‌کند، نداشتن ارتباط اجتماعی بالا با جنس مخالف است که این وضعیت به «دو حالت» خود را نشان می‌دهد: افرادی که «اعتقادی» به برقراری ارتباط اجتماعی با جنس مخالف ندارند و افرادی که «توانایی» آن را ندارند. ویژگی این نوع از رابطه آن است که سوژه نیازی به «ارتباط پیشین» با شریک جنسی خود یا توانایی برقراری ارتباط عاطفی با او ندارد؛ چراکه عاطفه و محبت و عوامل احساسی در شکل‌گیری و برقراری این روابط نقشی ندارد تا نبود آن خللی محسوب شود. چیزی که در این رابطه مهم است مبادله پول با خدمات است و نه تبادل عاطفه و احساس. براین اساس، بسیاری از سوژه‌هایی که، به هر علتی، رابطه اجتماعی چندان با جنس مخالف نداشتند در این دسته حضور بیش‌تری دارند.

از سوی دیگر، الگوی روابط آزاد میان «دختران و زنان مجرد» هم به‌گونه‌ای متفاوت با مردان و با انگیزه‌های مالی دنبال می‌شود. تغییرات اجتماعی، در سال‌های اخیر، تحولاتی در این روابط پدید آورده است. ورود دختران به عرصه‌های اجتماعی (دانشگاه و محیط کار) به تدریج زمینه‌های گسترش ارتباط دختر و پسر را در جامعه فراهم کرده است؛ ارتباط‌هایی که با تکنولوژی‌های جدید، مانند تلفن همراه و اینترنت، آشکارا و پنهان برقرار می‌شوند. گسترش فناوری‌های نوین به «غیبت بدن‌ها» در محافل عمومی کمک کرده و همین امر «فرصت گمنامی» سوژه‌ها را در جامعه افزایش داده است. از طرفی، بهره‌گیری از فضاهای نیمه‌خصوصی نیز به گسترش روسپیان مجرد غیر باکره و حتی روسپیان باکره دامن زده است.

مهین، ۳۲ ساله، دیپلم و، غیر شاغل می‌گوید:

من تو خیابون خیلی کم وای می‌ستم (پنهان‌شدن رابطه). معمولاً می‌رم پاساژگردی (پرسه‌زنی‌های نوین) یا تو بوتیک‌هایی که فروشنده مرد داره. به هوای خرید می‌رم داخل و حرف می‌زنیم و بعضی موقع‌ها هم شماره می‌دم و شماره می‌گیرم (نقش فناوری‌های نوین در ایجاد و برقراری رابطه) و بعداً قرار می‌ذاریم. این جور خوبیش اینه که حداقل می‌دونی محل کار طرفت کجاست و نمی‌تونه هرکاری دلش خواست باهات بکنه و بعد در بره ... این جور از خیابون و سوار هر ماشینی شدن خیلی بهتره (احساس ناامنی زیاد سوژه از حضور در روابط خیابانی فحشا) ... وقتی تو این رابطه هستی، فقط می‌خوای هرچه سریع‌تر تموم بشه (نداشتن احساس لذت) ... خیلی موقع‌ها از خودم بدم اومده ولی

به‌رحال به پول این کارم نیاز دارم. چاره‌ای نیست (احساس شیء بودن در دست مرد، کنش از سر اضطرار، نیاز مالی، دغدغه اصلی روسپیان مجرد).

میترا، ۲۵ ساله، فوق دیپلم، و غیر شاغل می‌گوید:

خیلی وقت‌ها این رابطه‌ها رو تو اینترنت و چت‌روم‌ها جفت‌وجور می‌کنم و بعد شماره می‌دم. هماهنگ می‌کنیم و یه جای امن قرار می‌ذاریم (نقش فتاوری‌های نوین). خیلی موقع‌ها هم این رابطه‌ها تو ماشین طرف یا محل کار اون انجام می‌شه (شکل‌گیری فضاهای نیمه‌خصوصی). اون‌جا دیگه فرصتی که رابطه کامل بخواد برقرار بشه نیست و من هم دقیقاً همین رو می‌خوام (گسترش «روابط ناکامل») ... این‌جوری می‌شه روزی یکی دو تا ماشین سوار بشی و جیبت رو پر کنی، بدون این‌که به آینده‌ات لطمه چندانی بزنی (پیدایش الگوهای جدید روسپی‌گری) ... ولی همیشه این خطر وجود داره که اون تو رو به زور با خودش ببره و هرکاری باهات بکنه و همین هربار استرس زیادی بهت وارد می‌کنه (احساس ناامنی).

از نظر خصوصیات جنسی، زنان روسپی سردمزاج‌اند یا خیلی زود چنین خصوصیتی پیدا می‌کنند. نبود عشق و علاقه میان طرفین و، از طرف دیگر، احساس کالابودن و دست‌به‌دست شدن نزد مردان، احساس تحقیر شدید همراه با خشمی عمیق در وجود آنان نهادینه می‌کند. در روابط جنسی‌ای که یک فاحشه برقرار می‌کند از عشق و غلیان‌های عاطفی خبری نیست و روسپی به یک شیء جنسی تقلیل می‌یابد؛ احساسی که هرگونه لذت را از او می‌گیرد و او را مستعد سردمزاجی می‌کند. پیدایش روابط خشک و بی‌صدا و فارغ از هرگونه احساس دوطرفه فرجام الگوهای روسپی‌گری است؛ شکلی از رابطه که به نداشتن رضایت درونی منجر می‌شود. احساس ناامنی (جانی و مالی) نیز بر هزینه‌های روانی کار برای روسپی می‌افزاید. به همین علت است که روسپیان برای تحمل افسردگی و شرایط سخت این کار اغلب به مواد مخدر و روان‌گردان پناه می‌برند.

۲.۱ روابط صیغه‌ای

روابط صیغه‌ای الگوی دیگری از روابط غیر عاشقانه پیش از ازدواج در ایران است. هسته اصلی گفتمان صیغه پیوند دین و غریزه در شرایط نابسامان جامعه از سوی سوژه است. این‌گونه روابط در سوژه‌هایی مشاهده می‌شود که پای‌بندی مذهبی بیش‌تری دارند. سوژه، در این دسته، به دنبال «راه‌کاری دینی» برای اطفای «غریزه‌ای طبیعی» است. با این حال، به نظر می‌رسد که این روابط میان «مردان مجرد» بسیار بیش‌تر از «دختران مجرد ازدواج‌نکرده»

باشد؛ چراکه، در این تحقیق، همه افراد مورد مطالعه در این دسته، از بین «مردان» بوده‌اند.^۸ این افراد معتقدند از نظر شرعی مجازند و می‌توانند در شرایط خاصی با «زنان غیر شوهردار» (اعم از بیوه یا مطلقه) رابطه برقرار کنند. بیشتر مشتریان این سوژه‌ها زنان بیوه و مطلقه‌اند و هم‌چنین زنانی که سن بالاتری دارند و به هر علتی شوهران خود را از دست داده یا طلاق گرفته‌اند. هدف اغلب این افراد از برقراری رابطه با این زنان صرفاً ارضای میل جنسی است.^۹ همان‌طور که در دو دسته اول (روابط آزاد و روابط صیغه‌ای) مشخص است، رابطه جنسی پیش از ازدواج الزاماً با «دوستی و معاشرت» دختر و پسر آغاز نمی‌شود. در بسیاری از موارد، سوژه درگیر هیچ رابطه عاطفی‌ای با جنس مخالف نبوده یا «آشنایی قبلی» با شریک جنسی‌اش نداشته است؛ اما با آنان رابطه جنسی برقرار کرده است.

محمد، ۲۹ ساله، دیپلم، و شاغل می‌گوید:

دیگه این روزها به این راحتی نمی‌شه ازدواج کرد. شرایط خیلی سخت شده (احساس محدودیت اجتماعی در رفع نیاز). از طرفی، جامعه طوری شده که همین‌جوری بخوای تو خیابون هم راه بری به گناه می‌افتی (احساس فشار زیستی). تو این شرایط، دین هم که راهش رو مشخص کرده (مشروع کردن راه‌های جدید). به‌ناچار می‌ای تو این فضاها دیگه ... رابطه عاطفی و دوست‌دختری دوست‌پسری رو اصلاً قبول ندارم (نداشتن اعتقاد به روابط عاشقانه پیش از ازدواج). این‌ها شرعی هم نیست و مشکل‌ساز می‌شه (تمایلات دینی در انجام کنش).

۲. روابط عاشقانه، پیدایش عشق رمانتیک پیش از ازدواج

در سال‌های اخیر، الگوهای رابطه جنسی پیش از ازدواج صرفاً به شکل‌های پیش‌گفته (روابط غیر عاشقانه) خاتمه نیافته است. فرایند مدرنیته ایرانی و تحولات ناشی از آن الگوهای رابطه جنسی در سال‌های گذشته را به شکل چشم‌گیری بسط داده و سپس متکثر کرده است و دامنه‌ای گسترده از تنوعات و بدیل‌ها را، که تا پیش از این تابو تلقی می‌شدند، مشمول الگوهای رایج کرده است. الگوهای قبلی مشکلات عدیده‌ای داشتند که رغبت سوژه‌ها را از بین می‌برد. روابط خشک، که فارغ از هرگونه احساسی میان طرفین رابطه تداوم می‌یافت، سوژه را با نارضایتی درونی مواجه می‌کرد. رابطه جنسی صرفاً او را به‌طور کامل ارضا نمی‌کرد. این روابط شاید جسم سوژه را سیراب می‌کرد اما روح او را هم‌چنان تشنه نگاه می‌داشت. به‌خلاف تصور، روابط آزاد در بلندمدت، بیش‌تر و بیش‌تر، «نارضایتی»

پدید می‌آورد و فاصله «ارضای روانی» و «ارضای جسمی» را بیش‌تر می‌کند و خلأ میان این دو را عمیق‌تر. از طرفی، در این روابط، رابطه جنسی با تحقیر زن و تقلیل او به یک «شیء خریدنی» همراه بود و همین امر زنان فعال در این روابط را به افرادی آسیب‌پذیر، سرد و بی‌روح، و با اعتماد به نفس پایین تبدیل کرده بود. اما، در رویکرد جدید، زن از سطح یک شیء جنسی صرف به یک معشوقه ارتقا می‌یابد و مرد نیز نه صرفاً به جسم خود که به روح خویشتن نیز می‌اندیشد و به دنبال راهی برای ارضای آن است.

در رویکرد «روابط غیر عاشقانه»، حضور «پول» و مبادله آن در قبال فروش بدن شرط حیاتی برای شکل‌گیری یک رابطه بود اما، در رویکرد «روابط عاشقانه»، حضور عنصر «عشق» شرطی کلیدی برای برقراری و تداوم رابطه است. در این روابط، عشق بسیاری از معادلات پیشین را برهم زده و همه‌چیز شده است. «لازم» نیست بلکه «کافی» است. چون آدمی، بالذات، کنش‌گری معرفتی نیست بلکه کنش‌گری غریزی است. او جویای درک نیست بلکه جست‌وجوگر لذت است و چه لذتی بالاتر از عشق‌ورزی. بالاترین لذتی که برای آن، باهمه وجود، می‌جنگد و، در این میان، مهر و سکس چنان در بستر عشق در هم می‌پیچند که تلاش برای تعیین سهم هریک و تفکیک آن‌ها دشوار می‌شود. در گفتمان روابط عاشقانه، صورت‌بندی رابطه جنسی با صورت‌بندی مفهوم «عشق رمانتیک» (romantic love) پیوند می‌یابد. عشق رمانتیک ترکیبی از «تمایلات عاطفی» و «تمایلات جنسی» به یک شخص خاص است.

یافته‌های تحقیق، نشان می‌دهد «روابط عاشقانه» پیش از ازدواج در فضاهای شهری گسترش یافته‌اند؛ روابطی که با ملاقات‌های عاشقانه همراه است؛ ملاقات‌هایی که معمولاً به رابطه جنسی ختم می‌شوند. مشخصه گفتمان روابط عاشقانه «تک‌همسری هم‌زمانی» و «چندهمسری درزمانی» است که با «تنوع جنسی کم‌تر» و «تعلق عاطفی بیش‌تر»^{۱۰} به شریک جنسی مشخص می‌شود.^{۱۱} روابط عاشقانه پیش از ازدواج به فرصت‌های ارتباط بین دختر و پسر بسیار وابسته است؛ فرصت‌هایی که فناوری‌های نوین ارتباطی و تغییرات ساختار اجتماعی ایران در سال‌های اخیر به‌خوبی آن را مهیا کرده است. حضور پررنگ‌تر زنان در عرصه‌های اجتماعی (محیط دانشگاه و محل کار) امکان ارتباط دیداری و برقراری پیوندهای عاطفی را برای افراد گوناگون میسر کرده است. در گذشته، به‌علت نبود امکان ارتباطی شخصی و پنهان (مانند تلفن همراه) و هم‌چنین به‌سبب حضور کم‌رنگ دختران در عرصه‌های متفاوت اجتماعی، امکان ارتباط با جنس مخالف و تداوم آن چندان میسر نبود.

اما امروزه همه این محدودیت‌ها به میزان بسیاری مرتفع شده و همین امر زمینه را برای شکل‌گیری الگوهای جدیدی از رابطه جنسی در جامعه فراهم کرده است. «روابط عاشقانه» خود به دو دسته خرد دیگر تفکیک می‌شود: «روابط دوست‌دختر - دوست‌پسر» و «روابط هم‌خانگی».

۱.۲ روابط دوست‌دختر - دوست‌پسر

هسته اصلی این رویکرد پیوند «صمیمیت» و «تمایل جنسی» فرد با شریک خویش است. این دسته از سوژه‌ها نیز، مانند روابط آزاد، اعتقاد چندانی به جنبه‌های دینی و محدودیت‌های آن در برقراری رابطه‌هایشان ندارند؛ درعین‌حال، به‌خلاف آن دسته، با هر دختر یا زنی رابطه برقرار نمی‌کنند. آن‌ها بیش‌تر به‌دنبال دخترانی هم‌سن و سال خود و با روحیات مشابه‌اند تا بتوانند با آن‌ها، علاوه‌بر رابطه جنسی، رابطه عاطفی نیز برقرار کنند؛ امری که در روابط غیر عاشقانه نبود. در این دسته از سوژه‌ها، نیازهای عاطفی، هم‌سطح نیازهای جنسی، اهمیتی بسیار دارد. وجه مشترک این سوژه‌ها جست‌وجوی «عشق رمانتیک پیش از ازدواج» است. در این دسته، معمولاً رابطه جنسی پس از «آشنایی نسبتاً طولانی» برقرار می‌شود. روابط آنان الگویی ناقص از هم‌خانگی در غرب است. با این تفاوت که، در کشورهای غربی، دو فردی که روابط هم‌خانگی را ترتیب می‌دهند با یک‌دیگر «زیر یک سقف» زندگی می‌کنند و اقتصاد مشترکی دارند؛ اما، در ایران، به‌سبب محدودیت‌های متعدد، معمولاً جداگانه زندگی می‌کنند و، در برخی زمان‌ها، رابطه با یک‌دیگر را تجربه می‌کنند. به‌علت حضور عنصر عشق و تمایلات عاطفی در این رابطه، «قرارهای بیرون»، مانند پارک و سینما، در این الگو یافت می‌شود؛ شیوه‌ای از مناسبات که در سنخ‌های پیشین معنایی نداشت. به‌خلاف الگوی روابط غیر عاشقانه، هدف از برقراری رابطه در این دسته از سوژه‌ها، کسب «لذت برای مرد» و «درآمد برای زن» نیست. در این دسته از روابط، بین افراد، به‌جای پول، «هدیه» رد و بدل می‌شود. این هدایا «دوطرفه» است و جنبه اقتصادی و درآمدی برای زنان ندارد بلکه پیش‌تر برای «تحکیم رابطه» و به‌منزله بیان مادی «ابراز محبت» بین طرفین تلقی می‌شود. در مقایسه با گفتمان روابط غیر عاشقانه، تنوع‌طلبی در این دسته از افراد کم‌تر است. با این تفاوت که آن‌ها «در یک زمان» معمولاً فقط با یک نفر رابطه دارند که این رابطه شامل هر دو جنبه جنسی و عاطفی می‌شود و، بعد از «به‌هم‌خوردن آن رابطه»، به‌دنبال شخص دیگری می‌گردند تا بتوانند با دیگری طرحی نو در اندازند و مسیر گذشته را ادامه دهند.

سینا، ۲۵ ساله، غیر شاغل، و فوق لیسانس می‌گوید:

تو این رابطه‌ای که من دارم نیرویی هست که آدم رو بعدش آروم می‌کنه. مخصوصاً آگه با اون کسی که خیلی دوستش داری رابطه داشته باشی (جست‌وجوی عشق رمانتیک پیش از ازدواج). این رابطه هم از لحاظ روحی روانی آدم رو آروم می‌کنه (منبع آرامش) و هم بالاخره نیاز جسمیت هم تو این رابطه برآورده می‌شه (منبع لذت). اصلاً این‌که کنارش باشی، یه حس آرامش بهت می‌ده (حمایت عاطفی) و، بعد از اون، می‌تونی با احساس خوبی که بهت می‌ده زندگی کنی و به کارات برسی.

مهسا، ۲۳ ساله، لیسانس، و غیر شاغل می‌گوید:

خب من با طرفم تو دانشگاه آشنا شدم (عرصه‌های جدید حضور زیاد زنانه) ... اون‌جا شماره‌ام رو گرفت و گاهی بهم اس‌ام‌اس می‌داد و، به تدریج که رابطه‌مون صمیمی‌تر و عمیق‌تر شد (فرایند تدریجی گسترش ارتباط)، کارمون یادمه به چت هم کشید. گاهی شب‌ها می‌اومدیم تو مسنجر هم رو می‌دیدیم و صحبت می‌کردیم (نقش فناوری‌های نوین ارتباطی) و بعد بیرون قرار می‌داشتیم. با هم می‌رفتیم و می‌گشتیم ... خانواده‌ام اصلاً در جریان این امور نیستن؛ یعنی خودم نداشتیم بفهمن (پنهان‌کاری). آگه بدونن، فکر می‌کنن چه خبر شده، بچه‌شون منحرف شده (فاصله ارزشی با والدین، شکاف نسلی).

۲.۲ روابط هم‌خانگی^{۱۲}: پیدایش «مجردان متأهل»

روابط عاشقانه در الگوهای پیشرفته، خود، به روابط «هم‌خانگی» منجر می‌شود. این الگوی جدید همه ویژگی‌های دسته قبل (دوست‌دختر - دوست‌پسر) را دارد با این تفاوت که این افراد با یک‌دیگر زندگی «زیر یک سقف» را نیز تجربه می‌کنند و زندگی اقتصادی مشترکی دارند. روابط هم‌خانگی رقیب جدی نهاد ازدواج است و خود را در قامت «ازدواج غیر رسمی» باز می‌نمایاند. الگویی از رابطه که بسیاری از تعهدات و شرایط ازدواج را دارد اما از قوانین، سنت‌ها و محدودیت‌های آن گریزان است. در تمامی موارد هم‌خانگی در این تحقیق، دو شریک افرادی شاغل و با تحصیلات دانشگاهی و تفکراتی روشن‌فکرانه‌اند که معمولاً، به بهانه تجربه زندگی مجردی و مستقل، از خانه پدری بیرون آمده‌اند و بدون آن‌که والدین را از ماجرا باخبر کنند به زندگی مشترک با یک‌دیگر روی آورده‌اند. احساس استقلال و رهایی از بند سنت‌های جامعه از مهم‌ترین علل شکل‌گیری این روابط از سوی سوژه‌ها عنوان شده است. احساسی که در بسیاری از موارد به بهای شکنندگی شدید این روابط تمام می‌شود.

پویا، ۳۰ ساله، لیسانس، و شاغل می‌گوید:

الان سه ساله که دارم با یه نفر زندگی می‌کنم. ما هر دو، به قهر، از خونه زدیم بیرون و الان داریم با هم زندگی می‌کنیم (ازدواج غیر رسمی). نه خانواده من و نه خانواده اون هیچ‌کدوم نمی‌دونن که ما با هم هستیم. هرچند یه بوهایی بردند (فضای پنهان‌کاری) ... مهم‌ترین ویژگی این رابطه اینه که به تو آزادی می‌ده (احساس استقلال). تا موقعی در رابطه هستی که از لذت می‌بری و، وقتی رابطه برات لذت‌بخش نبوده، می‌تونی به راحتی جدا بشی (ناپایداری ذاتی روابط مدرن).

اما این روابط مشکلات خاص خود را دارد. غیر قانونی بودن این رابطه و در معرض عموم بودن آن و شناخته شدن دو طرف با یکدیگر و احتمال برچسب خوردن‌های اجتماعی عواملی است که آن را بسیار آسیب‌پذیر کرده است. از طرفی، احساس «طرد اجتماعی» و هم‌چنین «ناپایداری ذاتی» این روابط، احساس رضایت در آن را با احساس تنش جابه‌جا می‌کند و سوژه را دائماً در دوگانه معکوس «آزادی» و «امنیت» قرار می‌دهد؛ آزادی‌ای که به بهای از دست رفتن امنیت تمام می‌شود.

مehشید، ۲۵ ساله، فوق لیسانس، و شاغل می‌گوید:

تو رابطه، نه من با پسر دیگه‌ای هستم و نه اون با دختر دیگه‌ای (احساس تعهد در رابطه). اما شما باید بتونید رابطه هم‌دیگه رو مدیریت کنید. باید کافی باشید برای هم. جاهایی که ما می‌تونیم «با هم» حضور داشته باشیم خیلی کمه. ما، برای مهمونی، کلاً خونه یکی دو تا دوسته که می‌تونیم بریم که از قبل با هم بودیم و اون‌ها با هم ازدواج کردند. اما ما خونه اون‌ها هم همیشه نمی‌تونیم بریم (محدودیت روابط اجتماعی). یعنی وقتی پدر و مادر اون‌ها اون‌جا هستن، خودت سعی می‌کنی نری. چون یه جورى نگاهت می‌کنن که می‌فهمی که دیگه وقتی اون‌ها اون‌جا هستن نباید بری (طرد اجتماعی از سوی نسل‌های پیشین). از طرف دیگه، تو این رابطه، زیر پات رو سفت احساس نمی‌کنی. ممکنه رابطه با یه اتفاق ساده به راحتی از بین بره، چون تعهد قانونی‌ای وجود نداره که بتونه تو رو نگه داره (ناپایداری ذاتی روابط مدرن). درحالی‌که این رو در نظر بگیر رابطه‌ای که مدت‌هاست شکل گرفته اگه به هم بخوره، تو رو نابود می‌کنه (احساس ناامنی از آینده رابطه). این‌ها تنش‌آور و این استرس‌ها، همه، آزاردهنده است برای ما.

۳. روابط ضد عاشقانه: پیدایش الگوهای فریب

در دل روابط مدرن، تکثیر الگوهای متنوع روبه‌فزونی آغاز شده است. الگوهای پیشین

(روابط غیر عاشقانه و عاشقانه)، از نگاه سوژه‌های جدید، هریک مشکلات عدیده‌ای داشتند که به تدریج سوژه‌های با تجربه‌تر آموخته بودند که هزینه‌های این روابط از فایده‌های آن برایشان بیش‌تر است. در روابط غیر عاشقانه، مرد به رابطه با کسی تن می‌داد که، در قبال ارضای جسم (و نه روح) او، پول دریافت می‌کرد؛ ارضایی ناقص که هزینه‌ای مادی برای او به همراه داشت. از طرفی، زن نیز، در این رابطه، به شیئی تحقیرشده تقلیل می‌یافت. اما، در روابط عاشقانه، «مبادله پول» برای رابطه به «مبادله عاطفه» ارتقا یافت. با این حال، روابط عاشقانه نیز مشکلات خاص خود را داشت. این روابط فرصت گمنامی را از دو طرف می‌گرفت و برچسب این روابط روی آن‌ها می‌نشست و تبعات اجتماعی گوناگونی برایشان به ارمغان می‌آورد. از طرف دیگر، احساس تعهد عاطفی و جنسی سوژه را از کسب «تجربه‌های جدید عاشقانه» منع می‌کرد و همه این امور، در کنار احتمال جدایی و آسیب‌های فراوان عشق رمانتیک پیش از ازدواج، هزینه‌های این نوع روابط را بالا می‌برد. تئوری دیگری لازم بود که، از نگاه سوژه، این آسیب‌ها مرتفع شود. «روابط ضد عاشقانه» پاسخی به این نیاز بود. هدف روابط ضد عاشقانه «تنوع بیش‌تر» و «تعهد کم‌تر» و رسیدن به منافع خاص در رابطه‌هایی است که صورتی نسبتاً «عاشقانه» دارند اما در واقع عاشقانه نیستند. «روابط ضد عاشقانه» ظاهری عاشقانه اما محتوایی آمیخته با فریب دارند. ویژگی روابط ضد عاشقانه «چندهمسری پنهان» است. در این روابط نیز، عنصر «پول»، نه به صورت مستقیم که بیش‌تر در نقش هدیه و تبادل این هدایا، در رابطه‌های سوژه حضور دارد. مشخصه بارز بیشتر این سوژه‌ها رابطه‌های اجتماعی بسیار با جنس مخالف است. در روابط ضد عاشقانه، عشق ابزاری برای شهوت است؛ وسیله‌ای برای تنوع بیش‌تر در رابطه‌های جنسی که طعم عاطفه دارند: عاطفه‌ای که از جنس فریب است. در این دسته، عشق برای افراد منبع الهام نیرویی درونی برای پالایش غرایز نیست که خود بهانه‌ای برای ارضای غرایز است. دوام این رابطه‌های به‌ظاهر عاشقانه به دروغ‌هایی بستگی دارد که طرفین با موفقیت به یک‌دیگر می‌گویند.

بابک، ۲۵ ساله، دانشجوی فوق لیسانس و غیر شاغل می‌گوید:

باید برای دختر فیلم بازی کنی تا اون راضی بشه باهات ادامه بده و به خواسته‌ها تن بده (فریب در رابطه). من با اون دخترهایی که به راحتی پا نمی‌دادن تیرپ از دواج می‌ریختم (وعده‌های دروغین) و نشون می‌دادم که خیلی دوستشون دارم و برام خیلی مهم‌اند (عشق، بهانه‌ای برای فریب جنسی) ... باید دختر رو مطمئن کنی تا باهات بیاد.

فرشید، ۲۳ ساله، لیسانس و غیر شاغل می‌گوید:

من شده هم‌زمان با پنج نفر دوست بودم، بدون این که هرکدامشون بدونن (چندهمسری پنهان). بعد اسم‌هاشون رو روی کاغذ نوشته بودم که یه وقت قاطی نکنم و یکی رو به جای یکی دیگه صدا نزنم. از این سوتی‌ها زیاد دادم. اسم‌ها رو بعضی موقع‌ها اشتباه می‌گفتم یا وقتی با یکی بودم، اون یکی زنگ می‌زد و این می‌فهمید ... اما دیگه به تدریج با تجربه‌تر شدم و یاد گرفتم که به این راحتی سوتی ندَم (فریب عاشقانه).

هدف مردها از روابط ضد عاشقانه، در مرحله اول، رسیدن به تنوع جنسی است. در صورت کامیاب‌نشدن و حتی گاهی به صورت موازی، اهدافی دیگر را نیز در برنامه‌های خویش قرار می‌دهند. اما زن‌ها معمولاً به دنبال اهداف مالی‌اند و فریب را به سمت مسائل اقتصادی می‌برند. امروزه روابط ضد عاشقانه عشق را به امری تجاری تبدیل کرده است؛ عشقی که می‌توان آن را دائماً به افراد متعدد عرضه کرد و تقاضای خدمات داشت. نکته مهم این است که تفاوت «روابط عاشقانه» و «روابط ضد عاشقانه» فقط در «ذهن سوژه» است. رفتار بیرونی این دو دسته شباهت‌های بسیاری به یک‌دیگر دارند و همین امر سبب می‌شود بسیاری از افراد بی‌تجربه، به راحتی، فریب بخورند و عشق خود را به بهایی اندک بفروشند و کینه‌ای شدید به جنس مخالف و هرگونه روابط عاشقانه پیدا کنند و خود، در مرحله بعد، برای انتقام از جامعه، به سمت روابط ضد عاشقانه کشیده شوند.

شیرین، ۲۴ ساله، لیسانس و غیر شاغل می‌گوید:

اکثر پسرا فقط به خودشون فکر می‌کنن (فرایند تعمیم؛ ارزیابی منفی از جنس مخالف) فقط کافیه یه کم باهاشون خوب باشی تا ببینی به چه سرعتی می‌خوان ازت سوءاستفاده کنن (احساس فریب). با اونا باید مثل خودشون برخورد کرد (شکل‌گیری دیدگاه‌های انتقام‌گرایانه) ... با نفر قبلی که بودم ازش یه سکه کُندم و یه عطر گرون. سکه رو برای تولدم گرفتم.

سعیده، ۲۲ ساله، لیسانس و غیر شاغل می‌گوید:

به بهونه ایام خاص، چیزای خوبی می‌تونن از پسرا بگیرن ... من ماه تولدم تو هر رابطه‌ای، دائم تغییر می‌کنه (عشق؛ بهانه‌ای برای فریب اقتصادی). معمولاً بعد از چند هفته آشنایی و طرح رفاقت ریختن، یه جوری برنامه می‌ریزم که، مثلاً بدون این‌که خودم بخوام، به صورت اتفاقی بفهمه که چند روز دیگه تولدمه و اون هم به‌رحال اگه بخواد باهاش بمونه مجبوره برای تو یه چیز درست و حسابی بخره دیگه (فراجنسیتی شدن الگوهای فریب).

۴. روابط مبتنی بر «عشق سیال»

این نوع رابطه از متأخرترین الگوهای رابطه در زیر پوست جامعه شهری است. از نگاه سوژه‌های دسته جدید، «عشق رمانتیک پیش از ازدواج» یک ضعف عمده دارد و آن هم این‌که هر لحظه ممکن است هریک از طرفین این رابطه را ترک کند. به همین سبب، «ناامنی عاطفی» در این رابطه‌ها بسیار بالاست؛ نوعی ناپایداری که، خود، ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی متنوعی دارد. لذا به تدریج بسیاری از افراد، به تجربه، دریافته‌اند که برای رابطه‌ای احتمالاً ناپایدار انرژی عاطفی چندانی نگذارند که، در زمان جدایی، آسیب چندانی نبینند. از طرفی، تعهدات متقابل، در حالت پیشین، عاملی محدودکننده برای سوژه‌های جدید پنداشته می‌شود. این عوامل، در کنار عوامل دیگر، زمینه شکل‌گیری «عشق سیال» را در جامعه فراهم کرده‌اند.

عشق سیال محصول دوران مدرنیته متأخر و رویکردهای پسامدرن در غرب است. در این الگوی جدید، مفهوم عشق «بازتعریف» شده و در قالب نسبی‌تری شدید قرار گرفته است. این الگوی جدید از رابطه تعهدهای سخت‌گیرانه و مطلق‌گرایانه عشق رمانتیک را نقض می‌کند و منکر ضرورت روابط صمیمانه و متعهدانه است (Giddens, 1992: 136). از طرف دیگر، فضای غالباً روشن‌فکرانه آن از فریب‌گریزان است. به همین سبب، ویژگی عشق سیال نه رفتن به سمت الگوهای پنهان‌کاری بلکه «چندهمسری آشکار» است و هدف آن «تنوع بیشتر»، «تعهد کم‌تر»، و «آزادی بیشتر» در رابطه‌هایی است که صورتی نسبتاً «دوستانه» دارند. در روابط مبتنی بر عشق سیال، مانند روابط عاشقانه و ضد عاشقانه، رابطه جنسی با پول خرید و فروش نمی‌شود. هرچند، در این روابط، عنصر پول حضوری مشخص دارد؛ اما نه آشکارا به منزله ابزاری مادی و شیء‌واره بلکه به منزله ابزاری کارکردی و عاطفی به‌نمایش درمی‌آید. در این روابط، پول بیشتر در قالب صورت‌هایی چون «هدایای متقابل» حضور و نمود دارد.

از این نکته نیز نباید غافل ماند که عشق سیال، در واقع، عشق نیست که رابطه‌ای دوستانه است.^{۱۳} در الگوی جدید، عشق ضعیف و رقیق می‌شود اما هم‌چنان در قالب‌هایی دیگر به حیات خود ادامه می‌دهد. انسان با تفکر پسامدرن عشق نمی‌ورزد که مهر می‌ورزد و طرف‌دار دوستی است و نه صمیمت‌های شدید. بخشی از وجود را می‌دهد و نه کل آن را. او می‌کوشد تعداد بیش‌تری را به میزان کم‌تری دوست بدارد؛ چراکه این عمل را نوعی بیمه می‌داند؛ بیمه‌ای در مقابله با آفت‌های عشق رمانتیک پیش از ازدواج در دوران معاصر.^{۱۴}

بی‌تا، ۲۲ ساله، لیسانس و شاغل می‌گوید:

من اول خودم رو دوست دارم و برای طرفم هر کاری نمی‌کنم. قرار نیست همه‌چیزم رو به پای اون بریزم (شکل‌گیری الگوهای فردگرایی شدید) ... باید طرفم خیلی ویژگی‌های خاص داشته باشه تا ازش خوشم بیاد ... از هرکسی برای یه چیزی خوشم می‌آد. یکی رو به‌خاطر این‌که اهل کتابه، یکی اهل شعر و سینماست، بعضی‌ها رو هم به‌خاطر مسائل جنسی (جست‌وجوی انواع نیازها در افراد گوناگون، پیدایش دوستی‌های متکثر).

مسعود، ۲۸ ساله، فوق لیسانس و شاغل می‌گوید:

من با خیلی از دخترها دوستم (احساس تعلق عاطفی) ولی درواقع با هیچ‌کدومشون هم نیستم (دوستی‌های متکثر) و نمی‌ذارم رابطه‌ام با اونا خیلی صمیمی بشه. اگه کسی بخواد خیلی نزدیک بشه، جلوش رو می‌گیرم (ناپایداری شدید، نداشتن تعهد) ... شده تو یه هفته، با چهار نفر مختلف رابطه داشتیم؛ اما هیچ تعهد خاصی هم بین ما نبوده و نیست (روابط دوستانه، جایگزینی برای روابط عاشقانه).

قرار گرفتن در موقعیت عشق سیال، در بسیاری از سوژه‌های این دسته، نه الزاماً امری دفعی که «مرحله نهایی» از شکل‌گیری تغییرات ذائقه جنسی در آنان بوده است؛ شیوه و مرحله‌ای از رابطه که فقط عده معدودی از سوژه‌های فعال در روابط پیش از ازدواج در آن قرار دارند و بسیاری از سوژه‌های دیگر، به علل متفاوت و جذابیت‌های گوناگون الگوهای پیشین، در آن دسته‌ها باقی می‌مانند.

افشین، ۳۰ ساله، فوق لیسانس و شاغل می‌گوید:

بین، یه حالت روان‌شناختی داره. وقتی تو با یه نفر وارد رابطه‌ای بشی که عاشقانه جلو بره و عاطفه داشته باشه، مخصوصاً اگه دوره‌اش یه مقدار طولانی بشه، کندن و قطع کردنش برات خیلی سخت می‌شه (عشق رمانتیک، مقدمه عشق سیال)، ولی اگه رابطه اولی و دومی رو بتونی رد کنی، دیگه از این به بعد رابطه عاشقانه برات عادی می‌شه ولی واجب. یعنی این‌که دیگه نمی‌تونی تنها باشی، چون تنهایی خیلی بیش‌تر از اون حالتی که قبلاً با کسی نبود تو رو اذیت می‌کنه ولی، درعین حال، نمی‌تونی هم فقط با یک نفر باشی و به اون عشق بورزی (عادی شدن عشق، شکل‌گیری روابط دوستانه متکثر).

عشق سیال شاید بتواند خود را از خطرهای عشق رمانتیک رها کند اما، درعین حال، مزایای آن را هم ندارد؛ ترس از پایان یک رابطه و آسیب‌های پس از آن ناامنی همیشگی روابط عاشقانه است. درعین حال، لذت با معشوق بودن حس خوشایندی است که بسیاری

از سوژه‌ها را هم‌چنان در روابط عاشقانه نگاه داشته است؛ لذتی که، در رویکردهای پسامدرن، بسیار کم‌رنگ یا حتی بی‌رنگ شده است. سوژه‌های حاضر در عشق سیال، به‌علت نداشتن وابستگی شدید عاطفی به شریک جنسی خود (حتی با وجود تعلق عاطفی کم و بیش)، چندان «شریک و همراهی» برای خود احساس نمی‌کنند و خویشتن را همیشه از درون تنها می‌یابند؛ خلأیی که روابط عاشقانه به‌خوبی آن را پر کرده است.

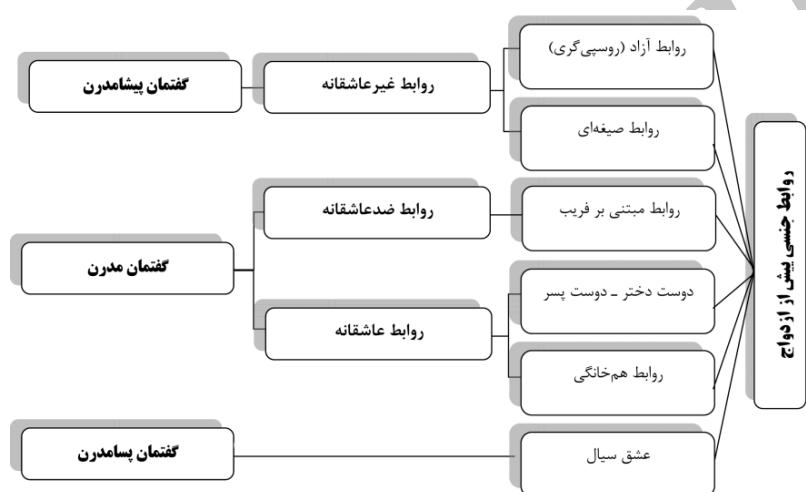
دست‌یابی به یک مدل سنخ‌شناسانه

اگرچه شناسایی و دسته‌بندی الگوهای متفاوت روابط جنسی پیش از ازدواج از طریق تحقیقات کیفی میسر است، تعیین سهم و وزن هریک از دسته‌های مذکور در لایه‌های پنهان روابط شهری مستلزم تحقیقات کمی و کیفی توأمان است که از عهده این تحقیق، به‌تنهایی، خارج است. با توجه به شناخت الگوهای گوناگون روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران، آن‌ها را می‌توان به «شش دسته» تقسیم کرد: ۱. روابط آزاد (الگوهای روسپی‌گری)؛ ۲. روابط صیغه‌ای؛ ۳. روابط مبتنی بر فریب؛ ۴. روابط دوست‌دختر-دوست‌پسر؛ ۵. روابط هم‌خانگی؛ و ۶. روابط مبتنی بر عشق سیال.

اگر بخواهیم الگوهای متفاوت روابط جنسی پیش از ازدواج را با اصطلاحی توصیف کنیم که در مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناختی در زمره پرکاربردترین اصطلاحات است، باید بگوییم که این روابط انواع متعددی از «گفتمان» (discourse) را پدید می‌آورند. به‌اختصار می‌توان گفتمان را شیوه‌ای خاص برای سخن‌گفتن درباره جهان پیرامون و فهم آن دانست (Baker, 2011: 34؛ یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸). درک و نگرش سوژه درباره روابط جنسی پیش از ازدواج و شیوه‌های ارضای آن محصول گفتمانی است که او در آن قرار دارد.

براین اساس، این «شش دسته الگو» در سه گونه «گفتمان» متفاوت تفکیک می‌شوند: ۱. «گفتمان پیشامدرن» (دسته‌های اول و دوم)؛ ۲. «گفتمان مدرن» (دسته‌های سوم، چهارم، و پنجم)؛ و ۳. «گفتمان پسامدرن» (دسته ششم). این سه نوع گفتمان سه گونه رویکرد فکری و رفتاری متفاوت‌اند که، در کنار هم، درون جامعه ایرانی حضور دارند. میزان امکانات در دسترس و جامعه‌پذیری متکثر سوژه‌های گوناگونی را در جامعه بازتولید کرده است؛ سوژه‌هایی که «نیاز مشترک» را به «گونه‌های متفاوتی» پاسخ می‌گویند. ویژگی گفتمان پیشامدرن تاریخی‌بودن آن است؛ الگوهایی از رابطه که در گذشته در جامعه حضور داشتند

و تا امروز به حیات خود ادامه داده و صرفاً اطفای نیاز جنسی برای مردان و کسب درآمد برای زنان را هدف خویش قرار داده‌اند. اما گفتمان مدرن و گفتمان پسامدرن اهدافی فراتر از الگوهای پیشین در سر دارند. این دو گفتمان محصول تغییرات اجتماعی و اقتصادی چند دهه اخیر در جهان و سال‌های اخیر در ایران‌اند. آن‌ها روابط پیش از ازدواج را از یک ارضای صرف نیاز جنسی به ارضای «سلسله‌ای از نیازها» (نیازهای جنسی، عاطفی و ...) ارتقا داده و ابعاد گوناگونی یافته‌اند.



نمودار ۱. سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران

گفتمان مدرن با عشق رمانتیک به شریک جنسی مشخص می‌شود. رابطه جنسی در روابط عاشقانه با کسی برقرار می‌شود که شخص به او احساس عمیق عاطفی دارد. لذا ویژگی این گفتمان با تک‌همسری آشکار گره خورده است؛ شکلی از رابطه که فرد، در آن، بیان و حضور عشق را صرفاً در یک نفر جست‌وجو می‌کند و بیش از آن را بر نمی‌تابد. در دل گفتمان مدرن، گونه‌های متفاوتی از رابطه در جریان است. در «روابط عاشقانه»، معمولاً سوژه به شریک جنسی خود وفادار است؛ اما سوژه‌های فعال در «روابط ضد عاشقانه»، که ظاهری رمانتیک و تک‌همسر دارند، در نهان، به سمت الگوهای فریب و تجربه شرکای جنسی متعدد تمایل دارند؛ سوژه‌هایی که با قلاب عشق به صید طعمه می‌پردازند. از سوی دیگر، زیر پوست شهر، با گفتمان پسامدرن مواجه‌ایم که آشکارا تمامیت‌خواه است. سوژه‌های فعال، در این رابطه، همه مزایای یک رابطه را برای خویش

می‌خواهند و از همه معایب آن‌ها نگران‌اند. آن‌ها نه تعهد جنسی به شریکان خویش دارند و نه عشقی شدید نثار آن‌ها می‌کنند؛ باین حال، به رابطه با آن‌ها ادامه می‌دهند. در گفتمان پشامدرن، «تعلق دوستانه» جای «تعهد عاشقانه» را گرفته و تعدد شرکای جنسی با احساس تعلق عاطفی ترکیب شده است؛ الگویی از رابطه که سابقه چندانی حتی در کشورهای غربی نیز ندارد باین حال، در ایران برای خویش جای پای یافته و پیروانی پیدا کرده است.

جدول ۲. انواع الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج از نظر شاخص‌های مهم

نقش پول	نوع رابطه	تعهد جنسی ^{۱۵}	تعلق عاطفی		
پول در مقابل رابطه	چندهمسری آشکار	-	-	روابط غیر عاشقانه	گفتمان پشامدرن
هدیه در مقابل رابطه	تک‌همسری	+	+	روابط عاشقانه	گفتمان مدرن
هدیه در مقابل رابطه	چندهمسری پنهان	-/+	-/+	روابط ضد عاشقانه	
هدیه در مقابل رابطه	چندهمسری آشکار	-	+	روابط عشق سیال	گفتمان پشامدرن

الگوهای متفاوت روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران، از نظر شاخص‌های متعدد، تفکیک‌پذیرند. احساس تعلق عاطفی و وجود یا نبود تعهد جنسی از مهم‌ترین شاخص‌های تفکیک‌کننده در این روابط است. در گفتمان پشامدرن، با هیچ‌گونه تعلق و تعهدی به شریک جنسی روبه‌رو نیستیم که نتیجه آن پیدایش سوژه‌هایی با شرکای جنسی آشکارا متعدد است. روابط ضد عاشقانه هم، هرچند ظاهراً صورتی تک‌همسر دارند، سوژه‌های چندنقابی آن، در دل به ظاهر عاشق خود، چندهمسری پنهان را تجربه می‌کنند. از طرفی، روابط مبتنی بر عشق سیال نیز گفتمانی آشکارا چندهمسر است که این بار نه با فریب دیگری، که با آگاهی طرفین، این تکرر در روابط متعدد صورت می‌گیرد. در این میان، روابط عاشقانه تنها صورت ناب تک‌همسری در روابط جنسی پیش از ازدواج است؛ الگوهایی از رابطه که هم تعلق عاطفی و هم تعهد جنسی در آن در سطح بالایی تجربه می‌شود.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر در پی کشف الگوهای گوناگون روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران بوده است. برای رسیدن به این مهم، به دنبال دست‌یابی به معنای ذهنی کنش سوژه‌هایی بوده‌ایم که روابط جنسی پیش از ازدواج را تجربه کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج، در سال‌های اخیر، متنوع و متکثر شده‌اند. یافته‌ها گویای آن است که در کنار گفتمان پیشامدرن (روابط غیر عاشقانه)، که پیشینه‌ای به درازای تاریخ دارد، امروزه، در لایه‌های زیرین روابط شهری، الگوهای جدیدی از رابطه پدید آمده است که محصول فرایند مدرنیته جامعه ایرانی است؛ الگوهایی چون گفتمان مدرن (روابط عاشقانه و ضد عاشقانه) و گفتمان پسامدرن (عشق سیال). الگوهایی که به مدد تحولات ساختار اجتماعی و تغییرات ارزشی ناشی از آن، در سال‌های اخیر، گسترش بسیاری داشته‌اند.

در این میان، روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران پیامدهای اجتماعی و فرهنگی گوناگونی را برای جامعه به همراه داشته است؛ پیامدهایی که با تغییرات ساختار اجتماعی و پیدایش ارزش‌های جدید فرهنگی در سال‌های اخیر تشدید شده است. وقوع تغییرات اجتماعی و تحولات دیگری چون گسترش حضور و نفوذ ماهواره و اینترنت و امکانات ارتباطی جدید در جامعه سبب شده است که امروزه منابع جامعه‌پذیری متکثر شوند و الگوهای هنجاری و ارزش‌های سنتی، کم‌تر از گذشته، در جامعه تأثیرگذار باشند. از طرفی، سیاست‌های توسعه اقتصادی و حرکت به سمت سرمایه‌داری رقابتی، با ایجاد شرایط ناامن اقتصادی، سبب شده است که سن ازدواج در جامعه از گذشته بالاتر رود و در نتیجه گرایش به سمت الگوهای روابط پیش از ازدواج افزایش یابد و متنوع‌تر شود. بسیاری از الگوهای پنهان شکل‌گرفته در مناسبات جوانان در مسائل ساختاری و مشکلات اقتصادی جامعه ریشه دارند؛ مسائلی که با تغییرات ارزشی همراه شده و الگوهای نوینی را پدید آورده‌اند. الگوهای گوناگونی از رابطه که نه تنها انحراف از هنجارهای جامعه تلقی می‌شوند که بر ابعاد مهم اقتصادی، اجتماعی، و بهداشتی جامعه نیز تأثیرگذارند. رشد و گسترش مسائلی چون ایدز و شکل‌گیری موج سوم آن در ایران، که از طریق مسائل جنسی در حال گسترش است، بی‌ارتباط با افزایش و تنوع الگوهای متفاوت رابطه جنسی نیست. الگوهایی زیرزمینی که، در اغلب موارد، با تجربه شرکای جنسی متعدد همراه‌اند.

در این میان، در مورد راه‌کارهای مواجهه با وضعیت موجود چه می‌توان گفت؟ پاسخ این است که، در عرصه راه‌کار، به راحتی نمی‌توان سخن گفت. ابعاد مسئله پیچیده‌تر از ارائه

راه‌کارهای ساده اجتماعی است و ابعادی حتی فراتر از حوزه‌های جامعه‌شناختی به خود گرفته است. این مسئله همه‌گونه عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی را درنوردیده است. لذا ارائه راه‌کار لازم مستلزم مطالعات بیش‌تر و کامل‌تر در همه حوزه‌های مذکور در کنار یک‌دیگر است تا جوانب گوناگون مسئله شفاف‌تر روشن و مطرح شوند و بتوان راهی مناسب و بنیانی برای برون‌رفت از موقعیت موجود ارائه کرد.

پی‌نوشت

۱. مرکز آمار ایران.
۲. عبدالرضا شیخ‌الاسلامی، وزیر کار و امور اجتماعی وقت، ۹۰/۸/۲۴، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) www.irna.ir
۳. عباس صداقت، رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت، ۸۹/۹/۲۷، سایت خبری آفتاب www.aftab.ir
۴. انقلاب جنسی، اشاره به دوره‌ای تاریخی در اواخر دهه ۱۹۶۰م و اوایل دهه ۱۹۷۰م در غرب دارد که به تدریج منجر به تغییر گفتمان جنسی و تغییر اساسی در نگرش‌ها، اخلاق جنسی و رفتار جنسی در بسیاری از کشورهای غربی شد (LaDuke, 2006: 17).
۵. بدیهی است که نمونه‌ای پنجاه و چهار نفری نمی‌تواند نمونه‌نمایی از پسران و دختران دارای روابط جنسی پیش از ازدواج باشد؛ لذا نتایج حاصل از این مصاحبه‌ها به‌هیچ‌روی قابل تعمیم نیست. اگرچه به‌طور کلی روش‌های کیفی دیرزمانی است که ادعای تعمیم را فرونهاده‌اند.
۶. نمونه‌گیری در این تحقیق براساس منطق نمونه‌گیری کیفی بوده است که با در نظر گرفتن «حداکثر تنوع پاسخ‌گویان در متغیرهای اساسی» تحقیق صورت پذیرفته است.
۷. سرشبهه باندهای فحشا.
۸. دلیل منطقی آن نیز شاید به محدودیت‌های شرعی ورود دختران مجرد به روابط جنسی پیش از ازدواج برمی‌گردد.
۹. الگوی روابط صیغه‌ای از نظر «تئوری» بسیار منعطف‌تر از قرارگیری در یک رابطه جنسی صرف است و حتی می‌تواند در الگوهای روابط عاشقانه و عاطفی نیز قرار گیرد؛ اما منظور از این طبقه‌بندی، در این تحقیق، نه صیغه از نظر پتانسیل‌های تئوریک که بهره‌گیری از آن «در عمل» و در روابط پنهان شهری است.
۱۰. در عشق رمانتیک پیش از ازدواج، «متعهدبودن» به شریک جنسی الزاماً به معنای «پایداربودن» آن رابطه نیست. از طرف دیگر، باید تأکید کرد که نه صرفاً در این الگو که اساساً، در همه

- الگوهای گوناگون روابط پیش از ازدواج در ایران، «ناپایداری رابطه» یک ویژگی کلیدی است. و این ناپایداری در تعهد داشتن یا نداشتن طرفین ریشه ندارد بلکه به علت قانونی نبودن و توافقی بودن این گونه از روابط است. به سبب نبود محدودیت‌های قانونی در انفصال یک پیوند، هر طرف از رابطه هر زمان که بخواهد به راحتی می‌تواند آن رابطه را به هم بزند.
۱۱. در این مقاله و در الگوی روابط عاشقانه، استفاده از مفهوم «همسر» به معنای شریک زندگی قانونی نیست بلکه به معنای شریک جنسی‌ای است که سوژه به او احساس تعهد جنسی و تعلق عاطفی می‌کند. این پای‌بندی صرفاً جنبه عاطفی دارد و نه قانونی. براین اساس، در سراسر این مقاله، استفاده از مفهوم «چندهمسری»، نه به معنی وجود همسران متعدد قانونی برای سوژه که به معنای تجربه «شرکای جنسی متفاوت» است.
۱۲. منظور از هم‌خانگی، زندگی مشترک دو شریک جنسی همراه با رابطه‌ای صمیمی و عاطفی با یکدیگر، بدون قید و بندهای قانونی ناشی از ازدواج رسمی، است. در هم‌خانگی، پای‌بندی به شریک زندگی جنبه عاطفی دارد و نه قانونی (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۹۵).
۱۳. در رویکرد پسامدرن (عشق سیال)، «تعهد جنسی» بین دو طرف وجود ندارد اما احساس «تعلق عاطفی» (و نه «تعهد عاطفی») تاحدودی وجود دارد. به همین سبب، این روابط بیشتر صورتی «دوستانه» دارد و نه عاشقانه و صمیمانه.
۱۴. هر چند که هر نوع تعریف و طبقه‌بندی از واقعیت اجتماعی قسمتی از پیچیدگی‌های آن را از بین می‌برد، این خطر، در تعریف و تشریح روابط مبتنی بر رویکردهای پسامدرن، بیشتر است. به طوری که هرگونه بحث جزءنگرانه پیرامون ویژگی‌های این جریان، به نوعی، «پسامدرن» بودن آن را زیر سؤال می‌برد؛ چراکه، در این نوع نگرش، هرگونه تعریف و خط‌کشی به مطلق‌گرایی می‌رسد. اما رویکردهای پسامدرن بسیار انعطاف‌پذیرتر از تعاریف ساده جامعه‌شناختی‌اند؛ مثلاً، در روابط عشق سیال، «تعهد جنسی» به شریک رابطه وجود ندارد اما احساس «تعلق عاطفی» به او حالتی کاملاً طیف‌گونه و برداری (از خیلی کم تا خیلی زیاد) به خود گرفته است. در بسیاری از موارد، سوژه احساس تعلق عاطفی بیشتری به برخی شرکای جنسی خود دارد و به برخی کم‌تر؛ درعین حال، با همه آن‌ها رابطه جنسی را تجربه می‌کند. در رویکردهای پسامدرن، رابطه جنسی به یک مسئله پیش‌پافتاده بدل می‌شود که به راحتی دست‌یافتنی است.
۱۵. این سنخ‌شناسی براساس الگوهای «تیپ‌بندی استقرایی» و مشاهده‌محور، منطبق با رویکرد کیفی، سامان یافته است و نه الگوهای «تیپ‌بندی قیاسی» و نظریه‌محور. براین اساس، به طور نظری و با بهره‌گیری از الگوی قیاسی، دست‌کم یک تیپ دیگر را نیز می‌توان به مدل بالا اضافه کرد: «سوژه‌هایی که به شریک خود تعهد جنسی دارند (+) اما تعلق عاطفی ندارند (-)». این تیپ، در این تحقیق و با استفاده از الگوی مطالعه استقرایی، به دست نیامد اما، به صورت

نظری و قیاسی، می‌توان وجود چنین افرادی را در جامعه انتظار داشت که شاید، در تحقیقات بعد، بتوان به صورت عملی به آن دست یافت و خصوصیات آن‌ها را مطالعه و بررسی کرد.

منابع

- آزادارمکی، تقی، مهناز زند، و طاهره خزاعی (۱۳۸۱). «روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، س ۱۲ و ۱۳، ش ۴۴ و ۴۵.
- آزادارمکی، تقی و محمدحسین شریفی ساعی (۱۳۹۰). «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۷، ش ۲۸.
- افقی، نادر و عباس صادقی (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی ارزش‌ها و هنجارها و رابطه آن‌ها با آنومی؛ مطالعه موردی دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه گیلان»، تحقیقات فرهنگی ایران، دوره دوم، ش ۸.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و امیرهوشنگ مهریار (۱۳۸۹). «بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۶، ش ۲۴.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی‌های اجتماعی: پژوهشی درباره پتانسیل آنومی*، تهران: سروش.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰). *توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زاده‌محمدی، علی و زهره احمدآبادی (۱۳۸۷). «هم وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۴، ش ۱۳.
- زاده‌محمدی، علی و زهره احمدآبادی (۱۳۸۸). «بررسی رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان: راهکارهایی برای پیش‌گیری از جرم در محیط خانواده»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۵، ش ۲۰.
- ساروخانی، باقر و مجتبی صدقاتی فرد (۱۳۸۸). «شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، س ۳، ش ۴.
- سلیمی‌نیا، لیلا، علیرضا جزایری، و پروانه محمدخانی (۱۳۸۴). «نقش سلامت روان در ظهور رفتارهای پرخطر نوجوانان»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۵، ش ۱۹.
- عطایی، بهروز و دیگران (۱۳۸۸). «شیوع آلودگی به ویروس هیپاتیت B و عوامل خطر آن در کودکان و نوجوانان خیابانی شهر اصفهان»، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، س ۲۷، ش ۱۰۲.
- عباسی، خیام و محمدتقی ایمان (۱۳۸۶). «تبیین جامعه‌شناختی گرایش نوجوانان به فرهنگ غربی»، *جوانان و مناسبات نسلی*، س ۱، ش ۱.
- گرمارودی، غلامرضا، جلیل مکارم، سیده‌شهره علوی، و زینب عباسی (۱۳۸۸). «عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان شهر تهران»، فصلنامه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی (پایش)، س ۹، ش ۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لطفی‌نیا، حسین (۱۳۸۸). «اثربخشی درمان حل مسئله در کاهش شدت افسردگی دانشجویان»، *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز*، دوره سی و یکم، ش ۴.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۸۶). گزارش جمهوری اسلامی ایران درباره پایش اعلامیه تعهد مصوب اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل در زمینه آج‌آی‌وی و ای‌اِز، دبیرخانه کارگاه کشوری ایدز.

هدایتی مقدم، محمدرضا و فرهاد فتحی مقدم (۱۳۸۸): «بررسی رفتارهای پرخطر مرتبط با سلامت در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۷»، طرح تحقیقاتی، واحد استان خراسان رضوی.

یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

Afary, J. (2009). *Sexual Politics in Modern Iran*, Cambridge: Cambridge University Press.

Alexander, M., L. Grada, S. Kanade, S. Jejeebhoy, & B. Ganatra (2007). "Correlates of Premarital Relationships among Unmarried Youth in Pune District, Maharashtra, India", *International Family Planning Perspectives*, Vol. 33, No.4.

Baker, P. (2011). *Key Terms in Discourse Analysis*, Continuum International Publishing.

Barlow, A., S. Duncan, J. Grace, & P. Alison (2005). *Cohabitation, Marriage and the Law, Social Change and Legal Reform in the 21st Century*, Oxford: Hart Publishing.

Bauman, Z. (2003). *Liquid Love*, London: Polity Press.

Blesk, A. L. & D. M. Buss (2001). "Opposite-Sex Friendship: Sex Differences and Similarities in Initiation, Selection and Dissolution", *Personality And Social Psychology Bulletin* (PSPB), Vol. 27, No. 10.

Bumpass, L. & H.-H. Lu (2000). "Trends in Cohabitation and Implications for Children's Family Contexts in the United States", *Population Studies*, Vol. 54.

Ghuman, S. H., V.M. Loi, V.T. Huy & J. Knodel (2006). "Continuity and Change in Premarital Sex in Vietnam", *Journal of International Family planning Perspectives*, Vol. 32, No. 4.

Giddens, A. (1992). *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love & Eroticism in Modern Societies*, California, Stanford University Press.

Harding, D. & C. H. Jencks (2003). "Changing Attitudes toward Premarital Sex", *Public Opinion Quarterly*, Vol. 67, No. 2.

LaDuke, A. (2006). *Living through the Sexual Revolution*. London: Greenhaven Press.

Lee, G. R. & K. Payne (2010). "Changing Marriage Pattern since 1970: What's Going on and Why?" *Journal of Comparative Family Studies*, Vol. 41, No. 4.

Legkauskas, V. & D. Stankeviciene (2009). "Premarital Sex and Marital Satisfaction of Middle Age Men and Women: A Study of Marriage Lithuanian Couples", *Journal of Sex Role*, Vol. 60, No. 1.

Mahdavi, P. (2008). *Passionate Uprisings: Iran's Sexual Revolution*. California: Stanford University Press.

Mitchell, G.D. (2007). *A New Dictionary of the Social Sciences*, 2nd (edn.), New Jersey: Routledge.

- Mohammad, K. et al. (2007). "Sexual Risk-Taking Behaviors Among Boys Aged 15-18 Years in Tehran", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 41, No.4.
- Raymo, J. M., M. Iwasawa, & L. Bumpass (2009). "Cohabitation and Family Formation in Japan", *Journal of Demography*, Vol. 46, No. 4.
- Rich, M. & K. Ginsburg (1999). "The Reason and Rhyme of Qualitative Research: Why, When and Who to Use Qualitative Methods in the Study of Adolescent Health", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 25, No. 6.
- Regnerus, M. & J. Uecker (2011). *Premarital sex in America: How Young Americans Meet, Mate and Think About Marrying*, Oxford: Oxford University Press.
- Sakalli, N. & P. Glick (2003). "Ambivalent Sexism and Attitudes toward Women Who Engage Premarital Sex in Turkey", *Journal of Sex Research*, Vol. 40, No. 3.
- Welling, K. et al. (2006). "Sexual Behavior in Context: A Global Perspective", *Journal of Lancet*, Vol. 368.
- Utomo, I. (2002). "Sexual Values and Early Experiences among Young People in Jakarta", in Lenore Manderson & Pranee Liamputtong (eds.), *Coming of Age in South and Southeast Asia: Youth, Courtship and Sexuality*, Surrey, UK: Curzon Press, Richmond.
- Wiik, K. A., E. Bernhardt & T. Noack (2009). "A Study of Commitment and Relationship Quality in Sweden and Norway", *Journal of Marriage and Family*, Vol. 71, No. 3.
- Zhang, K. & D. Li (1999). "Changing Sexual Attitudes and Behavior in China: Implications for the Spread of HIV and Other Sexually Transmitted Diseases", *Journal of Aids Care*, Vol. 11, No. 5.